

قسمتی از تاریخ هرات باستان

کا ز ر کا ه

فکر می سنجو قی

کابل - میزان ۱۳۴۱

3 ACKU 00032350 0

قسمتی از تاریخ ہرات باستان



کاوزرگاہ

فکری بحوثی

کابل - میزان ۱۳۴۱

کتابخانہ محبوب سراج رفیق

a02

تلذ کر

کوهی بیخیال در شرق هری جا گرفته و در دامن و آستین خود
مردمی جاداده که روزگار نمینواند ازان دامن کشان بگذرد.
در ادوار مختلف در آنجا بخواب ابدی رفته‌اند.

در سینه‌این کوه‌الله‌های میر وئید ود بهاران پیره‌ری را جلب می‌کردد.
کازرگاه موظیم تاریخ و ادب است، آنگاه که در محوطه آن
پاگذارید وجود شور و جذبات خاصی را در آن آرامگاه می‌بایید.

الواح و نقوش و خطوط چون تاریخ ناطق بچشم و گوش میرسد
و در لای هرسنگ آن مردی پرهیز گار خفته و آثاری از خود بیاد گار
گذاشته و بخواب خوش رفته.

محترم فکری سلجوقي نگارش تاریخ هرات را از چندیست که
اراده نموده و همت گماشته‌اند.

کازرگاه یک گوشه از تاریخ هرات است که بفرصت کم نوشته
شده، زحمات مورخ موصوف ورنج چندین ساله‌شان در شناسائی و معروفی
چهره هرات در خود تقدیر است شعبه طمع کتب مدیریت عمومی
نشریات داخلی ریاست مستقل مطبوعات بختیار است که با تقدیم این
نشریه که تأثیر روحانی پیره‌رات دران دخیل است گوش از تاریخ
کشور را که آرامگاه برخی از ناموران ماست بمطالعه ذوقمندان
وارباب بصیرت می‌گذارد. اداره،

(ب)

مقدمه

سالی چنداست اندیشه جمع و تالیف تاریخ هرات باستان را در دل می پروردانم طی این مدت بهر کتاب رساله که نکته درباره هرات دیدم یادداشت نمودم بهر گوش و کار از نقاط هرت که مرا گرفتار افتاد به جستجوی عمارات کهن شناختم واگر کشته بیه یانو شنیده رطاق مسجد و روای خانقاہ و درگاه حوضی بنظر رسیدن قبل برداری نمودم از داستانهای محلی و روایات بوسی نبز صرف نظر ننمودم و هر وقت فراغتی داشتم ه ترتیب و تنظیم آد و شته ها پرداختم تا جزوی چند از قلم گذشت و جسته جسته ازان یادداشت های فراهم و جمع شده در شماره های گذشته مجله هرات نشر و بصورت مضا مین تاریخی بطبع رسید.

خدای یکنار امپا سگذارم که درین عصر فرخنده و سال مبارک و میمون که نهصدین سالگر وفات حضرت پیر هرات در مر کزمملکت و سرای پیر هرات و خوابگاه آن را درد بزرگوار برقرار میگردد. نگارنده عاجز از تاریخ هرات باستان، باستان کازرگاه رسیده بجمع یادداشتها پرداختم و هفته هم معنکف آستان پیر هرات بودم و هر آنچه از قلم افتاده بود ویا او نظرمانده دوباره تکمیل و این رساله باین شکل که بدست مبارک توای خواننده ارجمند است. ترتیب و تنظیم یافت نگارنده اعتراف داد که حقوق کازرگاه راعشری از عشیر ادان نموده

(ج)

و طورشاید و باید از عهده آن برآمده نتوانسته که بشتابی قام دست باین کار
بردهام.

اما افتخار دارم که راهی بروی اهل تحقیق باز نموده میدان همت
را باوشان سپردهام، امیداست درین باره قدمی بردارند و نو اقص این رساله
راتکمیل نمایند.

کازر گاه: محل مقدسی است که از قرون متعددی محل تو جه
بزرگان و پادشاهان و خوابگاه واقعه تگاه اهل دل بوده، پیوسته سلاطین
ظام و پادشاهان درین مکان مقدس خشت بالای خشت گذاشتند.
تابصورت موزه نفیسی بیان اگار کذاشتد و کنجما درخاک نهفتند، از
پیکر علماء شر اهمندان، که هریک چون گنجی در گنجی نهفتند.

این موزه نفیس مجموعه فنده ایست از هنر های زیبا از قبیل
شاهکاریهای معماری و طراحی و دستگیراشی و منبت کاری روی احجار
و نقاشی روی دیوار و کاشی کاری های نفیس معرق و خاتمه کاری
و خطاطی، که هر گوشه آن بینده را درسی از هنر میدهد.

متاسفانه دست حوادث روزگار و بی اعتمانی فرزندان نقصهای به
پیکر نازنین این یاد گار پدران هنرمند بزرگوار ماورد نموده که
دلهاي حساس هر بینده را بی اختیار می سوزاند.

خوشبختانه در عصر ظاهر شاهی، زو ایا و خبایای تاریک آثار باستانی
وطعن در هر گوش و کنار نقاط وطن رو برو شمی نهاد و باراده و نظریه شاهزاده

(د)

ومساعی سردار محمد داؤد صدراعظم محبوب به ترمیم و تحریک این گونه عمارت وابسته باستانی همت گذاشته شده که ترمیم عمارت زیبای جامع هری شاهداین مدعاست. و کار ترمیم عمارت وزار پیرهرات این در نظر است که بوجه احسن بعمل آید و به بهترین طرحی انجام پذیرد گرچه چند سال قبیل بهمت شاغلی عبدالله ملکیار وزیر مالية حاليه کار ترمیم حیاط پیرهرات آغاز یافت و مقداری از ازاره حیاط بسنگ مرمر بصورت اساسی بیناد گذاشته شد و تخت اولاً دیمورد، دوباره بوضع اصلی ترمیم یافت، هرگز با اثر بعضی معاذیر دیگر این امر خیر معطل مانده و بتعویق افتاد.

اکنون که این امر خیر در نظر است امید است مرمتی بهتر از اصل درین خجسته مقام بعمل آید. فکری سلحوتی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در شمال شهر هری بر دامن کوه معروف به زنجیر گاه. قریه ایست که آنرا کازر گاه میگویند و کوهی که این ده کوچک پر فیض را در بغل گرفته نیز بکوه کازر گاه همراه است.

سلسله کوه کازر گاه: بکوه دیواندر وصل میشود؛ کلمه دیواندر را معنی جایگا دیو معنی مینهایند یعنی در این کوه دیو است. دیواندر کوه با برکتی است دارای دره های مقعد در سبز که یکی از آن جمله دره چشمہ او به است که شرخش را در قسمت او به نوشته است.

ظاهراً جمله دیواندر از دو کلمه دیو و ایندرا مشتق شده باشد یعنی کلمه «دیو» که معنی خدای خیر و خدای شر هر دو آمد و در مقوون قدیمه استعمال شده و «ایندراء» معنی خدا وند خیر و خداوند آها و دریاها و تازیانه بر ق و رعد و ظاهراء این کوه بواسطه خیر و برکتی که از دره های سرسبز و پر میوه و چشمہ سارهای گواراها آن بمردم

میر سیده باین نام مسمی و مشهور شده و بعمر دهور آنرا تخفیف و
(دیو ایندر) داریو اندر کنند.

کوه زنجیر گاه که بر فراز کازار گاه واقع است نیز
دانسته دارد که از لحاظ داستانهای محلی بسیار دلچسپ است و در
آثار خواجه این کوه بهام زنجیر گاه یاد شده.

عام معتقدند. در روز گار قدیم^۱ از آسمان زنجیری تا قله این کوه
آویخته بود چنانکه اگر مردی از سر کوه دست دراز کردی چهلقة
وی رسیدی. و این زنجیر وسیله قسم و سوگند مردم آن عصر بود
چنانکه مدعی و مدعی علیه به عیت قاضی باین کوه میر فند و مدعی علیه
دست دراز همکرد، هر گاه حلقة زنجیر را بدست همگرفت بی کماهی
او ثابت بود.

وقتی مردی شیاد مقداری زرمه سکوی از مردی پا کدین بوا کرفت
و تمام آنرا دو عصای چوبین خوش جای داده بگردشت. چون صاحب
زر آن زر باز خواست مرد شیاد جواب داد که زر خود را از من
گرفته و بحق خود رسیده ئی.

سخن هردو بقاضی رسید و بسو گند کشید. قاضی مدعی و
مدعی علیه را ببالای کوه پای زنجیر برد. مدعی کفت: خدا ایا
اگر زر بمو بوا داده ام و زر من نزد اوست. دستم را بزنجر عدل
خودسان. زنجیر فرود آمد و حلقة بدست وی رسید.

قاضی حکم گرد که زر وی باز دهد . مرد شیاد گفت من زدرا
بوی مسترد نموده ام و حاضرم که سو کند بخورم . پایی زنجیر ایستاد
و عصای خود را بدست صاحب زر داد که نگاه دارد . آنگاه گفت
خدایا ! اگر زد پس بوی داده ام و زربقمام نزداوست دستم را بزنجهیر
برسان . دست وی نیز بزنجهیر رسید و قاضی متعجب ور کار هر دو
فرمود :

خدای یکمبا بواسطه این مکر و خدعا . آن مایه عدل و حق سنجری
یعنی زنجیر را با آسمان کشید و از انتظار ناپدید فرمود . و از ان
وقت این کوه را زنجیر گاه میگویند .

این داستان بی اصل و حقیقت بما میرساند که محل کازر گاه از
قدیم الایام محل دعا و زیارتگاه اهل دل بوده .

دو باره کازر گاه و اسم و وجه تسمیه آن اقوال مختلف است
علامه حمال الدین یاقوت در معجم البلدان (۱) کازر گاه را ،
کازیار گاه شناخته و چنین می‌قايد

« کازیار گاه . بعدالالف زای ویامشنه ، والف وراء : کوه و قریه ایست
بهرات در آن مقبره هاست . از این محله مقبره شیخ الاسلام ابواسعیل
عبدالله بن عمر (کذا) الانصاری و جما عقی از اهل علم و زهد ،
برخی کازر گاه را . گازر گاه خوانده و عقیده دارند بواسطه چشم»

(۱) کتاب فقیس معجم ابلدان ج ۴ ص ۴۲۹ طبع ...

که و در این معنی بوده کا زر ان آنجا اقامت داشته و با این چشمی لباس مردم امنی شستندو کا زر گاه بمعنی محل کا زراست. چنانچه حضرت جامی نیز در قصیده که در منقبت حضرت خواجه سروده اند. با این معنی آهاره میفرمایند:

کا زر گهیست تربت او کا بر مغفرت در ساحت شفید کند جامه سیاه.
طوریکه جناب میر کا زر گاه میفرمایند صاحب کشف الاسرار
(۱) هرجا که از کلمه کا زر گاه نام برده آن را به قا زر گاه تعریف نموده و پیدا است که مقصد او کا زر گاه بوده یعنی محل کا زر و چون که فارسی در کلام عرب نیست . که را به قاف تبدیل نموده . معین الدین محمد اسفزاری در تاریخ تفہیس خوبش روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات درباره کا زر گاه چنین مینویسد :

در سنہ ست و مائین (۲۰۶) خوارج خروج کرده بودند. عبدالرحمن بن عبد الله عماد از نیشاپور بهرات آمد بجهنگ خوارج سر خوارج که بر کنده باد حمزه (ظ حمزه بن آذر ک سیستانی) و خلق بسیار بعده عبدالرحمن جمع شدند و در صحرا ای کارزار گاه که حالا از جهت تخفیف و غلط عوام به کا زر گاه شهرت یافته حرب عظیم کردند و خلق فراوان کشته شدند از هر دو گروه و این کشتمگان وادر هفت چاه دفن کردند . و مردم آنجا بزیارت می آمدند و با آن مقام تبر لک می جستند و آنجا

(۱) کشف الاسرار همان تفسیر منسوب به پیر هرات است

خانها ساختند و کاریز کنند و همیشه تاوقتی که شیخ اسمعیل صوفی
که بشیخ عمویه (ابو اسمعیل احمد بن محمد بن حمزه) صوفی مشهور
بشیخ عمویه (۱) مشهور است؛ آنجا مسجد جامع و رباطی متصل
بکدیگر بساخت شیخ‌الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس الله سره
بدان مقام میلی تمام داشت و مردم بموافقه آنحضرت هریزان خود را
آنجا دفن میکردند تا شیخ‌الاسلام را وفات رسید و آنجا مدفون
گشت؛ رفیعت مردم بزیارت آنجا زیادت شد. زندگان نیز وصیت میکردند
که بعد از موت ایشان را دران موضع دفع سازند و بزرگان بسیار چون
شیخ‌الاسلام و پسر آنحضرت شیخ‌الاسلام عبدالهادی که در شعیران
بدست ملا حده شهید شد و شیخ ابو عطیه جابر انصاری قدس الله اسرار اهل
و بسیاری دیگر از اهل زهد و علم گهه‌هایی که گاهه عالم بودند آنجا
آسودند. و دران بقعه مبارک از قرارگاه جانهای پاک مقابر صاحب‌اللان
همه جای‌جان بود و ماوای دل (۲)

ظاهر است، کازیار کاه بقول یاقوت و کازر کاه و کازر گاه بقول
عوام و دیگران هر سه مخفف کاززار گاه است که اسفزاری مینویسد
و همچنین تاکنون بیرون محوطه مزار حضرت خواجه بسمت جنوب
مقبره ایست معروف بخواجه‌گاه هفت چاه و صورت هفت قبر تا هنوز
 واضح و آشکار است که هر قبر را میگویند چاهیست که از اجساد

(۱) وسیلة المحتاجات تأليف جلال الدين بن عبد الجليل هروي نسخه خطی

(۲) روضات الجنات اسفزاری نسخه خطی

شهداء اسلام و کشتگان خوارج پرشده و سر آزرا بر آ ورده صورت
قری بالای آن درست نموده اند : واهل هری هر که بکازر گاه رود
پس از فریا رت حضرت خواجه ؛ بمز از شیخ عمومیه رود و بعد بمزار
خواجگان هفت چاه تقارب جوید و زیارت کنم .

چنانکه اسفزاری نوشته اول شیخ عمومیه مسجد جامع و رباطی
در این محل بنا فرمود و مریدان گرد وی جمع شدند . و پیر هرات را
بیو انسی تمام بوه ، و در اول حال مریدوی بود و بواسطه این اس واردت
دخت بکازر گاه کشید و آنجا اقامت فرمود .

در انتهای دره کازر گاه بفاصله تخمین فرسنگی محلی است که
آنرا تشت و آفتابه میگویند و جائی بس خوش آب و هو است که
دست قدرت آنرا بوضعی غریب بوجود آورد و در پایان دره کوچه
تنگی است به پهنه ای تخمین چهار متر و طول تخمین پانزده متر در دل کوه
بریده شده . که گوئی با قلم پولاد و چکش آنرا بریده اند .
در اتفهای کوچه آ بشار پست . از دره دیگری که بر این دره حاکمیت
داود ، در بهار و زمستان آب فراوانی که از کوههای اطراف باشد
میریزد و روان میشود . از آبشار مذکور باین کوچه تنگ سر از بر میشود
و در تموز و تابستان تنها آبهای چشممه سار دره بالائی باین آبشا . هیریزد
و آمی اند کست .

این دره را به نسبت این کوچه تنگ و این آبشار تشت و آفتابه نام
نها ده اند .

در این دره . در بغل کوه‌تهی گاه و کاواکی است بصورت غاری
که بهن آنرا بسنگ برآورده و دروازه کوچکی باز باز کذاشته‌اند
که بصورت صومعه در آمده .

نهصد و چند سال قبل آزاد مردی عارف . اندرون این مغاره . الهی الهی
میگفت و به تنهائی با خدای خویش در راز و نیاز بود و بعد از ادائی عبادت
بتالیف و تصنیف کتب سوهمند دینی و اخلاقی مشغولی میفرمود ، از جهان
و جهانیان کنار گرفته بود . امادر تنهائی و از روا بخدمت جهانیان کمر
بسته کتب و رسائل مینوشت و از خدا به بند گاش طلب رحمت
ومغفرت مینمود .

گویند پیر هرات بدست خویش این همه سنگ راروی هم چیده و این
صومعه را برای عبادت خویش ساخته

أهل کماز گاه را عقیده برآن است که حضرت خواجه درین
صومعه چشم ازدواجاً پوشیده وبشهادت رسیده . گرچه در هیچ مأخذی
از شهادت پیر هرات چیزی بنظر نگارند نرسیده . تنها اهالی کماز گاه
این خبر را سینه بسینه حفظ نموده عقیده دارند که پیر هرات در این صومعه
چله تمام میفرمود و بد کر الهی مشغول بود . دختری چند رمعه گوسفندان
خود را در این دره بچرا آورد و بودند ، گوسفندان از استماع ذکرو اوراد
خواجه از چرا بازمانده بر در صومعه شیخ بزر گوار کوش باوازد کر
خواجه فراداده ترک چرانمودند و برمیکشیدند و صدامیزدند .

آن دختران جاہل از خداغافل، پنداشقند. پیری ساحرامت و بقدرت
سحر و جادو. گوسفدان ایشان را مسحور نموده واژ چرا باز داشته،
خشمگین بصومعه درشدند و خواجه را که مغرق درد کر واورد بود. خفه
کردند و آن چراغ تابان و مفعول فروزان را خاموش نمودند.

مقابل این صومعه بر قله کوه نیز خانه ایست که از سنگ برآورده
و پوھیده شده و هیچ کلد و کچ باز بکار نرفته تنها سنگ بالای سنگ
گذاشته شده و سر آن نیز با سنگ بدون کچ و گل برآورده و پو شیده
شده و بچنان مهارتی ساخته هد. که باران در آن نفوذ نمیکند. بنای
این خانه را نیز به پیر هرات نسبت میدهد که به تنهائی سنگ بکوه
برده و این خانه را ساخته.

هزار گازر گاه :

ظاهرآ اوی مزاری که در گازر گاه زیارتگاه شد. همان مزار
خواجهگان هفت چاه است که تا اکنون نیز اهالی هرات بزیارت
آنان میر وند.

دوهین مزار کازر گاه. تربت شیخ نموبیه است که در هما نجا
مقیم بوده و بعد از وفات، خاکش زیارتگاه اخلاص کیشان واراد تمدن از
گردیده.

سههین مزار گازر گاه. تربت عنبر سرشت پیر هرات است که سبب
آبادی و مایه و سوخ کازر گاه شد.

پیر هرات بسال ۳۹۶ در کهندزه مصرخ که شهر کی بود متصل بشمالی

هری ، هرسرای ابو منصور محمد انصاری پدرخویش بدنیا آمده . رای ابو منصور انصاری هروی در جوار مزار حضرت ابو القاسم ابن امام همام جعفر صادق رضی الله عنهم واقع و خانه بس باز هست بود اکنون خانه ابو منصور و پیر هرات بصورت باعچه خرم و سبز باقی است و بیانچه شاهزاده ابو القاسم هعر و ف است . در این باعچه . تا ده سال قبل خانه در زیر تل خاک باقی بود . که اهالی بزیارت آن میرفند و آنرا محل ولادت پیر هران میدانستند و با آن تبرک میجستند .

ظاهرآ این خانه بعد از خرابی قهندز (کهندز) در زیر خاک رفته وبالای آن بصورت تلی از خاک برآمده که بعد آموات را در این تل دفن مینمودند .

از پهلوی تل سمجھی گشته بودند و در و او خانه را بیرون اورده .

کسانیکه بزیارت این خانه میر فند باید بمند چراغ ازین سمجھ عبور نموده داخل خانه میشدند .

خانه از خشت پخته ساخته شده و اندر ون آن به گچ آسفل شده بود . خانه بطول تخمین سه متر هر دونیم مقر عرض افتاده بود . ده سال قبل مقولی مزار هنزا ده ابوالقاسم . آن تل را هموار نموده خواست خانه میلاد کاه خواجه را از زیر خاک برآورد و ترمیم نماید . هنگام هموار نمودن تل ؛ خانه نیز ویران شد . مقولی موصوف در محل خانه تختی از خشت بساخت و دیگر بفکر آبادی آن نشد .

خواجہ ما (پیر هرات) پس از دوره تحصیل سفرها کرد و در طلب حدیث بیانها طی کرده و شهر شهر کشته و پس از بازگشت بهری ظاهرا بگازرگاه اقامت جسته و در پایان عمر بقول اها لی در مقام تشت آفقا به متز وی و بعدها دت مشغول بوده تا از دنیا رفته پر واضح است که خواجه در طفلی پریشان شد و امور دنیوی وی درهم پا شید؛ که خود میفرماید. پدرها در طفلی بگذاشت و ببلخ شده نزد شریف حمزه عقیلی پیر خود و مابشولیده حال و پریشان احوال شدیم،

پس خواجهما اول حال رنجها دیده تا بکرسی عزت نشسته و محسود اقران گردیده واز حсад بوع آزارها رسیده. دو نوبت تبعید شده و پس بهرات آمده و شکن نیست که بعد از این همه آز او که از تبر و دلان تنگ چشم بوع رسیده از جهان سیر واز جهانیان دلنگ شده و به طشت آفتابه پناه بخدا برده و متز وی شده باشد. بهر حال فرض نگار نده ازین رسالت کوچک معرفی گازرگاه است نه هرچنان حال پیر هرات.

بنای آرامگاه پیر هرات تاجائیکه اطلاع دارم اول بنائی که بمزار حضرت پیر هران طرح یافته، همارت مدرسه ایست که مرحوم امیر عزالدین عصر هر غنی در عصر پادشاه عادل سلطان غیاث الدین محمد بن سام عوری (۵۵۸ - ۵۹۹) بمزار گازرگاه اساس گذاشته و آباد نموده.

امیر عزا لدین عمر مرغنى جد شاهان کرت است و نسب ملوک
کرت هرات بوی میر سدوا ابن عز الدین عمر امیری فاضل و دانشمند
و دلیر بوده و در عصر سلطان غیاث الدین غوری، وزیر ممالک و نایب
کل سلطان بود و سلطان بوی اعتمادی تمام داشت و محبتی کامل.
سیف بن یعقوب در تاریخ نفیس خویش مینویسد.

(امیر عزا لدین عمر مرغنى) در عهد دولت خود در اکناف و
اطر اف ولایات سلطان مذکور از مال حلال بی و بال خوشتن
مسجد و مدارس و ربا طات بنا افگند و از آنجمله عمارت مدرسه
مقام مبارک و مزار متبرک گازار گاه است که مثل آن در هیچ بلد از
بلاد خراسان نیست (۱)

ظاهرآ در عصر شاهان سلجوقی بعزاد پیر ما تعمیراتی احداث شده
و در عصر عز الدین عمر مرغنى آباد بوده که امیر مو صوف در جوار
آن مدرسه به نهایت تکلف آباد نموده و شاید بعزاد مو صوف نیز تر میم
یا تعمیری نموده باشد.

این بنای عصر سلجوقی یا عصر غوری ظاهرآ تابعاً حمله چنگیز
کجستان آباد بوده و در آن فتنه خانهان سوز خراب نگردیده و بکلی
ویران نشده و اگراندک نقصی بوی رسیده. در عصر ملوك کرت ترمیم
یافته. فیرا که می بینیم. دوازه هزاره چنگیزی که طمع بهری بسته
بود و بقصد تسخیر هرات به شکیمان میرسد! شبی بخواب مو بیند که از

(۱) تاریخ سیف بن یعقوب طبع کلمکته ص ۱۴۱

طرف مزار کازرگاه سواران اور اتهیدیه میکنند . با اثر این خواب
ترک محاصره هرات می نماید و بر میگردد .
در عصر ملک فخر الدین کرت ؟ هر روز بمزار کازرگاه و سایر
مزارات ختم قرآن بعمل می آید .

یسورد شهزاده چیگیزی وقتی که به رات می آید بنیارت کازرگاه
میرود و چون نزدیک میرسد احتراماً مقداری راه پیاده میرود (۱)
علی الظاهر . بقایای این بناء بالا صل تعمیر بحال ترمیم طلب تاعصر اعلم بحضرت
شهرخ (۸۵۰-۷۹۹) پادشاه عادل و بافضلیت تیموری باقی بوده .
بسال ۸۲۹ شاهرخ سلطان عزم تعمیر مزار حضرت پیر هرات را در دل
بسته اقدام فرمود و عمارتی که شایسته شان حضرت پیر انصار باشد
احداث نمود که تا آنکنون باقی است و نام قامو آن پادشاه را جاوید
میدارد .

شرح تعمیر این بنای عالی را کمال الدین عبدالرؤاق مورخ ذامی
میرات در کتاب نقیس خود مطلع السعدین ذیل و قایع سال ۸۲۹ چنین
مینویسد .

(۱) تاریخ سیف بن یعقوب صفحات ۶۵۶، ۴۴۱؛ ۴۱۷

(۲) شاهرخ بسال ۷۹۹ در حیات پدر در هرات پیش از نشست و پدرش
پادشاهی بالا سقلال خراسان را بود تنبیض کرد و سکه و خطبه بنام وی شد
اما جلوس بالا-تقلال او در تمام قلمرو تیمور همان سال ۸۰۷ که سال وفات تیمور
کوچ کانست میباشد وفات تیمور در ۱۲ ربیع سال ۸۰۷ شهر اتراروفات و به شهر
سرقد دفن شد .

«حضرت خاقان سعید (شاهرخ سلطان) دو محرم این سال همایون فال بنیاد عمارت مزار مورد الانوار آ فتاب آ سمان و لايت قطب سپهيز هدایت؛ مطلع انوار غیب؛ مشرق اسرار لاریب؛ واقف سرایر لاهوت؛ کاشف ضمایر ملک و ملکوت؛ مقبول بارگاه حضرت بارگی قطب وقت؛ خواجہ عبدالله انصاری قدس الله روحه و گثربین الصدیقین فتوحه فرمود»

و طرح آن عمارت عالی رتبت و وضع آن اساس بدیع منزلت چنان واقع است که در پیشکاه که در جانب شرق باشد صفة ایو ان عالی رو بجانب مزار بزرگوار رغایت رفعت و کمال لطافت ساخته و در دو طرف آن صفت؛ صفه او بر بالای آن صفحهای دیگر و خانهای زیر وبالا در بلندی نزدیک بایوان و در میان آن صفت عالی (۱) و در جانب شمال صفت خاوه خانه ها و در میان جانب شمال صفت بزرگ و همچنین در جانب جنوب خانه ها و در میان آن صفت عالی و در جانب مغرب که فتح باب سعادت است صفت عالی رو بطرف مزار فایمن الانوار، و در میان آن راهگذار و در جانب دهلیز که شمال و جنوب است؛ دو جماعت خانه در رغایت لطافت ترتیب داده؛ بیرون مزار بزرگوار در طرف مغرب کرسی رفیع بسته ولیوانی هم عنان آسمان ارتفاع یافته بیت.

فروع طلعت خو رشید و چرخ زنگاری

نمونه ایست زایوان قطب انصاری

(۱) عبارت اند که مشهوش است و ظاهراً چه زمی از من افتد.

چوبنگری طرف چرخ در بروج نجوم بعینه مگر آن بقیه است پنداری

مجموع آن عمارت عالی بعد از آنکه بسنگ و آجر در غایت
لطافت ساخته بکاشی وزحل ولاجورد زینت یافته؛ و خطها و شکلهای
معقلی و کوفی و (نمث) (۱) بسیار بتفکلف در اطراف و جوانب
پرداخته اند.

و حضرت خاقان سعید املاک و اسباب از وحوه شایسته بر آن مزار
مکرم و فف فرمود (۲)

وضع کنونی هزار پیر هرات قدس سره
بنای کنونی مزار حضرت پیر هرات رونی همان کرسی و اساس
شهرخی است و بهمان وضع اصلی تا کنون آباد است تنها اطاقهای فوقانی
از سه طرف شمالی و جنوبی و غربی از میان رفته و طرف شرقی یعنی
ایوانچه یا اطاقهای فوقانی پهلوی رواق بزرگ تاحال باقیست و اکنون
مدتیست که بواسطه اسنحکام رواق بزرگ شرقی هر دو ایوانچه که
در دو پهلوی رواق تعییه بوده تحتانی و فوقانی یعنی دو ایوانچه زیرین
و بالائی از اندر و پر کاری شده و از وضع اصلی تنگ تر گردیده

(۱) در اصل نسخه مطلع السعدین مطموس و مشوش بود و ناشر کتاب
آنرا بین قوس (فارسی) نوشتند و بین است که (نمث) بوده نه فارسی، زیرا که
همه کتبه های کاizer گناه بخطوط معقلی و کوفی و نثل تا کنون باقیست.

(۲) مطلع السعدین طبع لاهور جلد ۲

تایوان نزدیک راقوتوی باشد شرح این قسمت تعمیر یعنی حیاط مقبره
پیرهرات بجای خویش مفصل تذکار می‌یابد.

اساس بنای تریات حضرت پیرهرات بطرح یک باع و سه صحن
گذاشته شده بدیون ترتیب.

اول: - باع کاخ زرگاه که بنام باع نومسمی است و آنرا مرحوم
امیر علی شیر نوائی امیر دانشمند و وزیر دانشپر و رعصر تیموری هنگام
ازو اوتولیت هزار فایز الاءه را پیرهرات واقع نموده در کاخ زرگاه
احداث فرموده . این باع باصفا بدرختان کاج (ناد) کهنه سال
مشجر است در این باع دو عمارت زیبا بوده مقا بل هم؛ عبارتی که
دره شرق باع واقع است نمکدان علیا و عمارتی که در مغرب باع بوده
به نمکدان سفلی مسمی بوده عمارت نمکدان تخمین شصت سال قبل
فروغ نموده و پیران و آکنون بجای آن تختی ساخته اند، اما نمکدان
علیا که تا اکنون باقیست . عمارتی بس زیبا و دلپذیر است و بوضعی
غیری ساخته شده ، بدین ترتیب که از دورن هشت ضلعی و از بیرون
دوازده ضلعی است . از هشت ضلع داخل چهار ایوان بجانب شمال ،
جنوب مشرق ، مغرب باز است و اضلاع دیگر از داخل گنبدهای دروازه
کوچک دارد بدین ترتیب که ضلع شمال شرقی داخل از بیرون
دو ضلع میشود یعنی بین ضلع شرقی و ضلع شمالی دو ضلع داردوهه چنان بین
ضلع شمالی و ضلع غربی دو ضلع دیگر و باز بین ضلع غربی و ضلع
جنوبی دو ضلع و باز بین ضلع جنوبی و ضلع شرقی دو ضلع دیگر دارد

بدین ترتیب گنبدهای نمکدان از داخل هشت واژه بیرون دوازده است :
اصلاع هشت گانه شمال شرقی و شمال غربی و جنوب شرقی و جنوب
غربی قسمت تحتانی از بیرون بسته است و تنها پنجه کوچکی به جانب
بیرون باز است که غرفهای تحتانی را روشن مینماید . واژه هردو غرفه
یکدروازه کوچلک بدرورون گنبدهای کشاده است قسمت بالائی نیز همچنین
از داخل هشت واژه خارج دوازده است با این ترتیب که از بالا نیز
از چهارجهت چهار ایوان بچهار سمت باز است و باز این هر ایوان
و ایوان دیگر هر غرفه از بیرون کشاده که هردو غرفه از درورون عمارت
یکصد و دوازده کوچک دارد مگر غرفه های بالارخ آن بجانب باعث
باز است و از عمارت تحتانی غرفه ها از جانب بیرون مسدود است .
بالای هشت ضلع داخلی گنبدهای از خشت و کسیج درنهایت رفعت
بطور مرسوم پوشیده شده .

دروسط این گنبدهای مرتفع حوضچه آبی بود مرخم که آب از دروازه
شرقی به نایشه از زیر زمین داخل حوضچه میشد و همچنین از دروازه
غربی به شرکه رخامي به باعث فرو میریخت .
این بنای نقیس را ، از دو جهت نمکدان میگویند یکی از زیبائی
و وضع مقبول و ملاحت تعمیر آن و از جهت دیگر بواسطه که ما نند
نمکدان خانه خانه و غرفه غربی است .

مارت نمکدان باهمه زیبائی که داشت چندان مورد استفاده نبود
و کسانیکه بزیارت ویابنفرج بگازار گراه می آمدند یا لب حوضچه

می نشستند و یا در غرفه های بالا که از یکی از اضلاع شمال شرقی زینه تنگی بجانب قسمت فوقانی تعییه شده بیالا میرفتند و در ایوان و یاغرفه از غرفات می نشستند راه غرفات وایوانها از غرفه بغرفة دیگر واژ ایوانی بغرفه . مانند دایره کشیده شده بود و دور ا دور عمارت بالائی راهی مدور بود .

چند سال قبل ، فضیلت مآب خادم پیرهرات جناب میرغلام حیدر (میر کازرگاه) به ترمیم این عمارت متوجه شدند و مهندسین لا یق را جمع و مشوره نمودند که نمکدان بصورت همما نخانه آبرومند درست شود .

مهندسين نخست صلاح دیدند که آب از داخل نمکدان بسته شود که ممکن عمارت نمکدان بواسطه عمر فیاد در اثر رطوبت و جریان آب شکست نماید .

بعداً در میان حوضچه ستونی قوی تعییه نمودند و روی آن را با تیرهای قوی از چوب کاج و خشت تخته و گچ پوشیده عمارت را دوطبقه نمودند وایوانهارا از قسمت تحتانی بدروازه های چوب ارس و کاج مزین و قسمت فوقانی را به پنجه و دروازه ها از همان چوب آراستند و بشیشه کرفتند تا عمارت روشن باشد و غرفات بالائی را بکناره چوپین مزین و محفوظ نمودند و عمارت را از بیرون و درون به ریگ و آهک و گچ آستر و برنگ و روغن مزین و مدهون نمودند .

اکنون این عمارت زیبا در کمال استحکام و تقاست مهما تخداد
حضرت پیر هرات است صحن او ل مزار کا زرگاه . دارای
طاوئمه اها بوده که به خشت پخته بنا یافته بود این طا دنماها را مسحوم
میر کلان کازرگاه ترمیم و تعمیر نموده بودند .
در وسط صحن حوض سرپوشیده بوندام حوض هشت در که تاحدی
شبیه بعما رت نمکدان بود . وظا هر آین حوض نیز از بنای
امیر علی شیر بوده ،

سنت غربی این صحن بکلی باز بود و یمنه بزرگی که با تخته
سنگهای سنگین فرش و تخمین چهار پله زینه داشت . عوام این صحن
و پلکان را به سبب سنگهای بزرگی که در پلکان فرش شده بود
آنرا سرنسگ کا زرگاه میگفتند .

این صحن در انتهای راه قدیم کازرگاه واقع بود (۱) اکنون
صاله است که این راه متوقف شده و این صحن نیز متوقف و مهجور
بود حوض هشت در و صحن موصوف زا الالی پایان محل وعا برین خاک

(۱) راه قدیم کازرگاه از دروازه خوش بر میخواست از ر و بروی حمام
سلطان خان جاده ککی بطرف شمال میرفت از مغرب اد ارضی با د مرغان
می گذشت و از شرق اراضی باغ جهان آرا که اکنون عمارت شفاخانه موجوده از پهلوی خواجه علی
خانه است بغرب اراضی باغ سفید عمارت شفاخانه موجوده از پهلوی خواجه علی
موفق بیانگ مراد وصل میشد و از آنجا بکازرگاه میرفت و در پای صحن او ل
موصوف ختم میشد . این راه از زمان شاهرخ تا بیست و هفت سال قبل آباد و بنام
سرک کازرگاه میرفت مشهور بود . بعداز اسا من شهر جدید یعنی حصه این
راه سروک شد ،

انداز ساخته زباله و هر چیز کهنه و کشیف با دران میریختند حوض
هشت در نیز بمرور دهور که کهنه و شکسته شده بود آب آن گندیده
ومتعفن میشد پانزده سال قبل سمت شرقی این حوض فروغله طید و در آن
وقت مزار کازر گاه از طرف بناغلی عبدالله ملکیار نایب الحکومه
(وقت) هرات تحت ترمیم بوده این حوض که بکلی قابل استفاده
نمود بقایای آن نیز برداشته شد و خشت آنرا بمصرف تعمیر مزار
رسانیدند.

صحن موصوف نیز لازم بود که محیط شود تا دست عابرین ازان
کوتاه باشد

پس از سالی فرزند جناب میر کازر گاه که بناغلی محمد طاهر از وضع
حزن انگیز این خالیگاه در جوار پیره ری متاثر شده بفکر عمران
آن افتاد در مخالف حوض هشت در کوتوی زیبائی بنا نمودند و محل
ذخیره آب حوض مذکور را بزرگینی که در تابستان سرد و در زمستان
گرم و بی رطوبت است بنا نهادند اکنون که این صحنه متروک شده
سرای عالی و کاخی متعالی شد و صحنه دیگر را صحنه اول و صحنه
دوم میشناسیم باین ترتیب.

صحن اول مزار؛ صحنه بزرگ است و ظاهراً در عصر شاه رخ
احداث یافته در وسط این صحنه حوضی بزرگ است که جهت وضو
تعییه شده در مغرب این صحنه؛ مسجد حامعی است که عمارت پخته

و کچ پوشیده شده و تا اکنون نماز جمعه در این مسجد جامع خوانده میشود و پیداست که عمارت آن چندان قدیم نیست. در گوشة جنوب غربی این صحن خانقاہ بزرگی است که از هاکارهای معماری هرات است. این خانقاہ نزد اهالی بخانه زرگار معروف است. این عمارت عالی صورت گنبدی بزرگ ساخته شده و در واژه آن بجانب شمال کشوده است.

در قدیم سقف و جدار این گنبد بزرگ ولا جورد مزین و منتش بوده، اکنون جدار آن تازیر کتابه سقف بگچ استر شده؛ اما کتابه و سقف بزر محلول ولا جورد درنهایت نفاست و ظرا فت تقاشی است و بهترین نمونه ایست از نقش دیواری و سقف سازی عصر شاه رخ که بعایاد گار مانده. مگر وسط گنبد بواسطه نقوش باران اندکی نقاشی و کچ آن پاشیده است.

چند سال قبل یکسی از مستشرقین (بخاطر ندام و گمان می‌کنم بناغلی فیشر امریکائی و یا میرمن پاور عکاس امریکائی) یعنی گفت که از مستشرقی دیگر شنیدم که در عمارت گنبد زرگار کاوز گاه اعضای نقاشی ایطالیائی دیدم.

نگارنده این رساله: هر قدر جستم و بدقت در نقاشی‌های کاوز گاه (چه نقاشی‌های دیواری داخل خانه‌ها و چه نقاشی‌های بیرونی) نظر و جستجو کردم نه امضای نقاشی بیگانه دیدم و نه شبوه و سبک رومی

دو آن مشاهده نمودم؛ بلکه از برگ آن بوی شرقی و همان سبک نقاشی خراسان استشمام می‌شود.

این را نیز باید بگوییم. که سبک نقاشی گنبد زرنگار کازرگاه از نقاشی سقف گنبد مقبره گوهرشاد و باستانی در مصلی هرات که تا اکنون باقیست تقاوی کلی دارد و این امر اند کی به شهر وارد نمی‌کند که شاید در عصر شاهرخ؛ قاش ایطالیائی به رات آمد و چندی در دربار شاهرخ بسر برده و از نقاشیها و مکتب نقاشی هرات نیز بهره گرفته و استفاده نموده، و با مر شاهرخ تنها این گنبد را نقاشی نموده باشد آنهم به تقلید از شیوه گل و برگ نقاشی هرات روی اساس سقف سازی روم و ایطالیا. مقابل این خانقاہ، یعنی گوشة شمال شرقی صحن؛ حوض انبار یست سرپوشیده که بحوض زمزم شهرت دارد، و معروف است که بعد از ختم تعمیر کازرگاه، حضرت شاهرخی چند مشک آب زمزم تهیه دیده. تبر کاً باین حوض ریخته که تمام سطح حوض بقدر دو انگشت آب زمزم ایستاده آنگاه آب چشمده را بحوض راه دادند تا پر آب شد و مردم آن؛ تبر کاً بردن و نوشیدند و ازان روز تا اکنون این حوض بنام حوض زمزم معروف است.

حوض موصوف بسال ۱۱۰۰ از طرف بانوی خیر ترمیم یافته و ظاهر آین بانو، مملکه محترمه بوده از شاهان چنگیزی که در کازرگاه مدفون است. این قطعه بخط نستعلیق جملی بسیار غالی و پخته و رس الخطي مخصوص اند رون رواق حوض رون سنگ امر هر نوشته و حکاکی شده

هر تعظیم مز ار خوا جه انصار کرد
 خان عادل شاهرج چون وضع بقیاد جمیل
 صحن کا زرگاه را رشک بقیع الجنہ دید
 از فیوض روح اهل الله چو ن قدس خلیل
 بقیها انشا نمود و تکیه ها ایجاد کرد
 بهر تو حید ڈنای ما لک الملک جلیل
 ساخت بهر تشنگان ذا ییر این آستان
 این مصفا بر که راه رضای حق سبیل
 چون که عمری همچو کشتی سیل امواج خورد
 ساخت مستقر قوش را عاقبت عمل شغیل
 نیست در ترکیب آب و خاک چون رنگشیان
 باعث ویرانیش را شد کهنه سالی دلبل
 کرد تعمیرش ذا حفا دقا آن مر حومه
 بهر تحصیل ثواب و افی و خیور جز یل
 مهد علیا عصمت الدینا در درج عفا
 آنکه بود در حریم عفت شبه و عدیل
 تا خورد ذین بر که یکدم آب هرلب تشنگ
 سازدش شاداب از کوثر خداوند جلیل
 سال تعمیرش خضر جسم زپر عقل گفت
 ریخت او بحر کرم در حوض فرم مسلسیل

بحساب جمل. (ریخت او بحر کرم در حوض زمزم سلسپیل) بسیار
میشود و از تاریخ بیر ون میر و د و بطور قطع؛ تاریخ ترمیم حوض سال
۱۱۰۰ است و هر گاه کلمه (سلسپیل) رادر (حوض زمزم) بریزانی سال
مذکور بدت می‌آید (۱)

دراوبه نیز حوض سر پوشیده ایست که از آثار مهد علیا ئی بوده
و در کتیبه آن حوض نیزنام اورا احتراماً یاد نموده اورا چنین ستوده‌اند.
(کتیبه حوض اوبه اینست).

جلیس پرده عصمت نهان از دیده چون دها
حریم سلطنت را محترم؛ قاج سر انسا

بطاعت فاطمه طیفت خدیجه صدق و صدیقه
بپا کسی مریم و در عهد بلقیس و ور عمارا

زعفت دور دیدم ذکر نامش لب فرو بستم
نکردم از حیا ا ملائ آن در صفحه انشا

بنا کرد از تقاضای کرم این بر گهرا جو دش
که بخشد تشنجان را فیض آ بش شربت احیا

حضر جستم فمعمار قضا تاریخ سالش را
بگفته (یاد گار مهد علیا عصمت الد نیا)

۱۰۹۲

(۱) حوض زمزم؛ بحساب جمل ۹۰۸ و کلمه سلسپیل ۱۹۶۲ می‌شود هر گاه
هر دو بهم جمع شود ۱۱۰۰ بدت می‌آید.

بطن قوی . مهد علیا عصمه الدنیا بانی حوض او به محمد علیا عصمه الدنیا
ترمیم کنفده حوض زمزم یکی بوده و گمان می‌رود این مملکه صالحه فوجه
یکی از شاهان چنگیزی که در کازر گاه مدفون می‌باشند بوده باشد .
در مغرب این حوض چند سال پیش . چند چشم می‌بستان بوده . از چشم
آخرین زینه بز مین فرو میرفت و در انتهای چند پله زینه . دروازه
مسجدی باق می‌شد : این مسجد زیر زمینی کشید است گدروی چهار
رواق گذاشته شده و اندرون دور رواق شمالی و جنوبی چله خانه‌است .
رواق شرقی مدخل کشید است و رواق غربی محراب مسجد .
اکنون شبستانهای بین حوض و بین مسجد را برداشته اند و بجا آن
تختی عالی جهه نماز ساخته اند که از گوشه تخت همان زینه و راه مسجد
زیر زمینی کشاده است .

در مسجد زیر زمینی هنگام زمستان نماز پنجگانه ادامه شود و در
تابستان متر وک است .

در مشرق این صحن : صحن دوم ، یا حیاط مقبره پیر هرات واقع است .
که دروازه حیاط بجانب غرب باین صحن باز می‌شود .

صحن دوم ، یا حیاط مزار پیر هرات همان صحنی است که کمال الدین
عبدالرزاق تعریف آنرا نموده و قریت تا بنای پیر انصاری درین حیاط
واقع است ،

از آثار شاهرخی بزار پیر هرات همان خانقاہ رنگار است در صحن

اول و تمام عمارت صحن دوم است که ناکنون در کمال متناسب پای استقامات
بزمین گذاشته و بمایاد گارما شده .

دروازه حیاطمزار بجانب مغرب بصحن اول باز نمیشود ،
در صحن اول پیش روی رواق در گاه حیاط مزار از مرمر سفید ،
مجسمه سنگی قراشیده وبالای قبری گذاشته است . اهالی کافر گاه
عقیده دارند . که استاد زینی . (زینی مخفف زین الدین است) معمار و مهندس
این بنای عالی است و تمام عمارت مزار پیره را او طرح و آباد نمود
و در آخر عمر و مرض موت وصیت نمود که اورادر در گاه مزار پیر انصار
دفن نمایند و مجسمه سنگی از مرمر بسازند و روی قبرش نصب نمایند ،
تاسگ آستان آن بزرگوار باشد .

رواقی که از صحن حیاطمزار بصحن اول جلوه گر است . رواقی عالی
وبالات کاشی معرق ، مزین است .

این کاشی کاری معرف ، از بهترین شاهکار هنری خاتم سازی هرات
است . که نظیر آن را کمتر دیده ام . متأسفانه دست حوادث این اثر نفیس را
مطموس و مدروس نموده .

این کاشی های نفیس . از آثار شاهرخی و علی شیری نیست و پیداست
که بعد از عصر شاهرخ و بعد از دوره نوائی است .

اطراف رواق . سوره مبار که عم بخط ثلث بسیار عالی و در پایان
کتیبه چنین امضاء ارد کتبه محبی بن محمد حسین ۱۰۱۴ و در ذیر اعضا :

محبی، بخط کوفی نوشته است فقیر حقیر امام قلی خاتم بر .
این محبی همان محبی خوشنویس و شاعر هر ویست که در خط
نستعلیق و خط ثلث از اساس تبدیل عصر خوبش بوده. خطوط خویش نستعلیق
ایرا مکرر دیده ام .

محبی شاعر شیرین زبانیست کتابی دارد بنام فتوح الحرمين که آنرا
مناسک حج میگویند .

این مشهود کوچک به بحر سریع مطوی موقوف است حدوزن مخزن الاسرار
نظمی . مفتعلان مفتعلن فاعلان است . که آنی در هند بطبع رسیده
و بعضی آنرا سهوا بحضرت جامی نسبت داده اند .

محبی دیوانی دارد که چندین نویت در هند بنام حضرت عبدالقدار
گیلانی بطبع رسیده .

در پهلوی چپ رواق مدخل صحن دوم تحت کاشی کاری . قطعه
سنگی مرمر است که بمیخ های آهنین بدیوار دوخته شده . روی این سنگ
هر مر بخط ثلث عالی این عبارت و قفظ نوشته و حکا کی شده که مرور
زمان و تأثیر آفتاب و بازان اندک نقصی بتوشه وارد شده اما با حمایت
خواهde میشود . اینست نقل آن :

بسم الله الرحمن الرحيم . پوشیده نماند که موقوفات حضیره و مدرسه
ورباط حضرت مملکت پناهی معدالت شعاری امیر شجاع الدین محمد
بن الامیر المغفور علاء الدين علی ابن الامیر العرحم میر جلال الدین

بر اینق بر لاس بیم و اج است اما (موقوفات خصیره کا زر گاه اف بست حوالی) (۱) دیوان خانه و حوالی حرم سرای بزرگ و بازده داد کان و یک حمام و طاحونه بقریه باد مرغان و بیست و هفت قطعه زمین و چهار باغ بقریه فرک و قریه شناباد و خانوں آباد و پانزده سهم مزرعه دکین و ظاهره بو لایت جام و مزرعه مومن آباد او ابراهیمی (۲) و ارغس و سه قطعه کرم بقریه بشفروس (۳) و یک سهم قنات عمان (۴) و ابوالعباس و رو حسکرد (۵) و در حمه د کومرود و اقل جامی (۶) و سی و پنج سرقه آب ازوادی درود در بولایت نیشابور و مزرعه دیوبیشه قریه او بیرون چشمها سار و قنوات سفاباد علیا و سفلی و مزرعه حصاری و گوکاباد و حسما باد و فضلا باد بولایت اسفراین و جهان وار عان و سورهان وار ریحه (۷) و سه قطعه و در یک دانگ و نیم آب بولایت با خرزو قنات جدید و قنات زیارت جران بو لایت باد غیس و زنجکار و معمورده سرتپه و نهر ویستک و سه طاحونه تموزی و سه حوالی و دو طاحونه و نهر ساغرجی و مولا فاعمر و قوسیجی و قاقور (۸) بو لایت هر و مزرعه قاجرد بولایت سملقان (۹) و قطعه زر و طاحونه همرو چاق و هشت سهم قنات تر که و نصف قنات طامرا لیخ (۱۰) بو لایت قیصار که بروح حضرت رسالت وقف فرموده . اما موقوفات هدر سه چیچکتو

(۱) بین قوسین مطمئن شده بزحمت و دقت خوانده شد .

(۲) هم . قاقور خوانده میشود و هم قوقار و معلوم نشد کدام یک درست است

(۳) طوری نوشته شده که هم طامرا لیخ و هم طامن لیخ و هم تأم ریخ خوانده میشود

اینست جشم سفر بلاغ (۱) که از دکیل شرعی حضرت والی زمان به بیان
 شرعی خریده و سالانه هزار مم (۲). و با نصد جریب و هزار جریب فمیند.
 سبلابانید نور کو و بجی (۳) ثلثان قفatas جقر خضر خواجه و قطعه از چیچکنو
 حسن قدح بقا بات (۴) و مزرعه میر کر یمداد و بخت خاتون نهر کارا ما
 موقوفات رباط مسافر پیاه قوش رباط اینست چهار باغ و طاحونه قریب
 بچهار باغ و یک سراویک کاروان سراو پنج کان پیوسته هرو چاق یک دکان
 قریب بر بساط و مزرعه نهر جدید و مزرعه دیگر بقوش رباط مذکور ر
 و براین اوقاف و قفناجمات مکرر نوشته شده و حکم شدیر کافه بتوقع خطیر
 والی زمان خلد ملکه وار کان دولت و مشایخ و قضات و اشراف هرات.

فی رمضان سنہ خمس و تسع مائیه (۵)

بازوی دیگر این روایی روی قطعه سنگ مر سفید بخط نستعلیق
 متوسط و جلی قام این رباعی را که جناب میر کا زرگاه انشاد نموده اند
 نوشته و محاکوک است .

پیر هرات خواجہ انصار کن در ش

هر خسته دل بحق صد خویش است کامیاب

محروم کس نگردد از ینجا بهیج و جه

مطر و دکس نباشد ازین در بهیج باب

(۱) بلا سفر نیز خوانده میشود و معاون نیست کدام درست است .

(۲) سطر اخیر که حاوی تاریخ و قفنامه است بخط ریز نوشته و حکاگی شده .
 و بزحمت خوانده میشود .

این رباعی بخط ملا سلیمان سلجوقی است .

ازین رواق بجای نب حیا ط هزار دروازه ایست و کریا سی ، این کریاس روی چهار طاق پوشیده شده راز هر طاق دری بسمتی باز می شود بدین قریب .

طاق سمت غربی بر روی صحن اول ، طاق سمت شرقی کشاده است بر روی بزرگ سمت غربی حیا ط هزار حضرت پیر هرات ، طاق شمالی و جنوبی گشوده است به دو مسجد شمالی و جنوبی (۱) که بجماعت خانه معروف است و این دهلیز (کریاس) دو جماعت خانه بادیگر عمارت صحن حیاط دو مطلع المسجدین ذکر شده .

این دو جماعت خانه که در شمال و جنوب این کریاس ساخته شده دو خانه مستطیل بزرگ است که بکمانهای سخت محکم و رسی های زیبا و تفییس به گچ و آجر پوشیده شده و تمام سقف رسم پوش و ازان درون بمعقر فسی عالی مزین گردیده از ارآ این دو مسجد بکاشی فیروزه ولاجور د طور گره بندی در قهایت نهاست هر یعنی است دو مسجد شمالی محرا ایست از سنگ رخام ساخت که در قهایت نهاست هجری و نقاشی شده و در پیشانی محراب آیه شریفه فنادته الملائكة وهو قائم يصلی فی المحراب تو شتمه و حکاکی شده . این محراب نیز از یادگار های عصر شاهرخی است .

(۱) رجوع شود به مطلع المسجدین کمال الدین عبدالرزاق جلد ۲ ص .

گریا سی که پیشتر ذکر شد که دهلیز در گاه حیاط مزار و این
دو جماعت خانه است. اکنون آنرا آینه خانه میگویند،
قصیده معروف حضرت جامی در منقبت پیر هرات بخط نسخه ملیخ خطاط
معروف هرات مرحوم خلیفه ملام محمد حسین سلجوقی روی سنگ مرمر
کنیه و حکاکی شده دورا دور کریا س رام زین نموده ایشت آن قصیده:
طوبی اروضه سجدت ارضها الجبهه

بشری لسدۀ لثمت قر بهای الشفا

این آستانه ایست که از خاک او برند

شا هان ملک افسر و عز و سریرو جا

رخ چون نهد بسده ولا یش آفتاب

چرخ ارد زیر پاش نهد قامت دو تا

چون ابر اگر سقف رواقش چکدمطر

سر بر زند فطا رم چرخ بر بن گیا

گیر د جهان ز شمسه ایوان او فروغ

بر صدق این سخن دو کواهند مهر و ماه

بنده بروی خود همه دهای حداد

هر کس که آورد بخر یم درش پناه

این مقبت ز دولت صاحبد ای گرفت

کن مهد خاک کرده درین بقمه جایگاه

پیر هرات زبده اند - اریان که سود
بر طاق عرش قبه د هلیز او کلاه
تصنیف اوست درس مقیمان مدرسه
تلقین اوست ذکر همیندان خانقاہ
گاوز گهیست تربت او کابیر مغفرت
در سماحتش سفید گمند نامه سیاه
مبل سرمزا و پرانوار او کشد
ذوار را بدیده دل کحل انتباه
دلوزریست صورت قندیل مر قدش
کزدی رهیمه یوسف دلهای حبس چاه
نورولاوینش که جهان را فرا گرفت
تا خشن باد هادی اونا دگان راه
جامی حریم کعبه هر حاجت این در است
روی دعا بکعبه کن و حاجتی بخواه
از جماعت خانه سمت جنوبی زینه بیالا میر و دودر بالای کریاس،
خانه دیگری پوشیده شده و در آن خانه صندوقی است و در آن صندوق
تار موئی است از حضرت سید کاینات محمد مصطفی علیه الصلوأة
والسلام. این موئی مبارک را مر حوم میر بزرگ جناب میر سلیمان
بعد از ادادی حج کعبه معظمه از استانبول با خود آورد و درین مقام مقدس

محفوظ نموده اند صحن مزاریا حیاط تربت پیر هرات تا کنون بهمان
مر تبیی که عبدالرزاق در مطلع السعدهین نوشته و چنانکه شرح داده
شد، تنها اطاقهای فوقانی که از میان رفته باقی همه بهمان وضع اول
گه در عصر شاهرخ اساس گذاشته شده باقی است. بدین قریب.

در مشرق صحن ایوانی به نهایت ارتفاع واقع است گه پیش روی
این ایوان تخت هنر او پیر هرات است. در هر دو پهلوی ایوان که
دوا ایوان انجه تختانی وبالای آن دوا ایوان انجه فوقانیست تا پایه های ایوان که
از وضع هندسی و انداره معمول معماری بالاتر رفته (۱) استحکامی
داشته باشد.

این چهار ایوان انجه تختانی و فوقانی را اخیراً از درون پر کاری
نموده اند. تا قوت پایه های ایوان مضاuff شود و اکنون بصورت
دو اطاق در پهلوهای ایوان بمنظور هیرسد. و دو ایوان انجه فوقانی نیز بعد
از پر کاری بصورت دو اطاق کوچک در آمد.

سراپای این ایوان یارواق بزرگ، از بیرون و درون بکاشیهای
معرق مزین بوده که اکنون قسمتی ازان کاشیها در داخل رواق
باقیست.

(۱) رسم معماری قدیم است که هر گاه دهان ایوان ده متر باشد. جست
پایه های ایوان نیز ده متر است و از ده متر نباید کمتر یا بیشتر باشد زیرا اگر
کم باشد ایوان افتاده بیرون بمنظور هیرسد و اگر ازده متر بالاتر باشد استحکام
آن کم مبتعد و کمان ایوان را از بالای این ده متر میگذارد.



ایوان شمالی صحن حیاط مزارپیر هرات

۳۳۲

رخ ایوان که بجانب صحن جلوه گر است . اکنون از زینت کاشی عاری است که بمرور زمان تمام کاشیهای آن ریخته و پاشیده است و بسال ۱۳۰۷ق تمام ایوان را ازبرون به کچ آستر نموده اند . سمت شمال صحن حیاط، در وسط صفحه یا ایوانی عالی دارد و در دو جانب صفحه هشت رواق و در پشت هر رواق اطا قی وجود است بدین قریب که چهار رواق و اطاق در پهلوی شرقی و چهار رواق و اطاق در پهلوی غربی صفحه واقع است :

سمت خنوبی صحن حیاط عیناً هماند سمت شمالی است : بدین تفاوت که در پشت صفحه شمالی خانه بزرگیست که دروازه آن از وسط صفحه باز میشود و اطاقهای سمت شمالی غالباً پستو دارد . ولی سمت جنوبی تمام اطاقها وایوان یکلاست و پستوندارد .

چنانکه گفته شد بنای این عمارت همان بنای اصلی شاهرخی است و تنها اطاقهای فوقانی از هیان رفته (۱)

دو اطاقهای تحتانی بعداً پادشاهان چتگیزی را دقت نموده اند . بعدها حضرت شاهرخی درین عقام هفتاد س قریمیانی بعمل آمد و قاجائیکه اطلاع دارم . نوبتی در عصر امیرعلی شیرمرحوم ترمیم شده مرحوم علی شیر در پایان کار از جهان و شغل جهانی دلنشگ شده از امور رسمی دست کشیده . کاخ رگاه منزوی میشود و امر توپیت این همایون

(۱) . رجوع شود بملطبع الصدین .

بعده رابعه ده همکرد هنگام تولیت ازعین المال خویش شروع بترمیم
این مزا رفابنا ک مینما ید و تعمیر اتسی نیز احداث مینفرما ید که از
آنچمله باعچه گازر گام معروف بیان نو و عمارت نمکدا آها و حوض
اپبار، تعمیر گنبد چشم است .

نوبت ثانی ترمیمی است که بسال ۱۰۱۴ بعمل آمد و کیفیت آن
نرد نگار نده مجھول است تنہ المضای محیی خوشنویس و سال ۱۰۱۴
که در خ شرقی نز گاه هزار روی کاشی تاکنون باقیست . شهادت میدهد
که در آن سال تر میماتی درین محل بعمل آمد .

نوبت سوم چنانکه از ترمیم حوض زهر م پید است . امکان دارد
که در عصر شاهان مجھول ا لهویه چنگیزی نیز بعضی ترمیمات بعمل
آمد باشد .

نوبت چهارم وزuman امیر عبدالرحمن خان، خلیل الملته والدین مرحوم
فرامرز خان سپهسالار ایوان بزرگ شرقی را گچ کاری و ترمیم نموده
و اندرون رواق که بکاشیه امنین بوده و بعضی از آنها که پاشیده بوده
 محل پاشیده شگی با گچ آستن کاری و بر تک روغنی مانند کاشیهای
اصلی نقاشی ورنگ آمیزی شده که آثار آن تاکنون باقیست و در
باقی نقاط تر میماتی بعمل آمد .

در پایه جقوبی رواق بزرگ شرقی . این قطعه تاریخ از طبع مرحوم
گلزار خان اسحاق زائی گذرا شعر آمیز معروف هرات است . بخط فرمای

خلیفه ملا محمدحسین سلموقی روی سنگه در هر نوشته و حکما کمی
شده نقاش ایست.

فرمانده توران و خراسان شهی افغان
عبدالرحمن خان شرف مستد شاهی
شاعی که بمعماری اقطاع عمالک
بردعوی عزمش دهداین روضه گواهی
میقات حرم بارگه خواجه کزیز پیش
می بدم بسی هی هرم اح رام تباهی
اسپهبد اعظم عضد االمملک فرا مرز
کز حسن مساعی است بر امثال میاهی
ایوان و بقاع ودر ود بوار و تکایا
یکبا وہ تعمیر بیارا است کما هی
این تازه بنا باد ازین عدت قادر یخ
چون طاق فلک مدت او نا مقنای
هزار بیرون هرات .

تحت مزار خواجه پیش روی ایوان شرقی و نزدیک بآن واقع است .
ظاهر از همان عصر وفات خواجه بالای مزارش گنبد نسا خته اند
و تربت پاکش زادر فضای آزاد گذاشته اند تاهمه وقت بار ان رحمت
اللهی نثار قبر بست عنبر سرشت این آزاد مرد زد گوار گردد .

پیش (دوی خواجه) متصل مر قد پا کش درخت کهنه سال خنجرکیست
که بطن قوی از عصر خواجه است و تواند بود که خواجه بزر گوار
را درپای این درخت بخاک سپرد باشد.

خنجرک از درختان کو هیست و چوبی مخت اداد و عمر طولانی
می نمایید رکما زر کیا دود درخت خنجرک از قدیم باقی مانده کمهربیک
را هزار سال عمر تخمین زده اند. یکی همین درخت تر بت
خواجه است و دیگری بر هزار ابو نصر خباز در مسجد جامع قدیم
کازار گاه.

از خدام پیر هرات شنیدم. که یکنفر ایطالیائی، درخت شناس
بگازار گاه آمد و این دو درخت را بسیار بدقت دید و میگفت هریک
ازین دو درخت هزار سال عمر دارد.

درخت تر بت خواجه دامیخ کوب نموده اند و عوام عقیده وارند
که در شدت درد دندان اگر میغذی با این درخت بکوبند درد دندان
ساخته میشود. اکنون سرای پای این درخت بهمیخ های آهینه های زین
است و بزودی این درخت کهنه سال خواهد خشکید و این میخ کاری
با عث خشکیدن این درخت میگردد.

تخت مزاو خواجه بهمان وضعی است که در عصر شاه رخ آنرا
پرداخته اند. اطراف تخت بقطعتات سنگ مر سفید مرخم و مرین
است. روی هر قطعه سنگ. کلمات الله ولاسواه بخط کوفی ممتاز

با گره بندی عالی و نقش نفیس در کمال زیبائی و هنر مندی نوشته
و حجاری شده و پهلوی همدیکر نصب گردیده.

این تخت بطل و قطع ویقین از آثار شاهرخی است. با این دلیل
که اطراف مغارها مسجد جامع گوهر شاده رصلی هرات. بچنین
سنگهایی هزین بود که دان القاب شاهرخ و تاریخ بنای
مسجد جامع بهمین خط کوفی و همین گره بندی که ظا هرا بخط یک
خطاط و بدست یک حجار نوشته و تراشیده شده.

اکنون سنگهای مغار مسجد جامع شامخر و مسجد جامع هرات
محفوظ است که پس از غلطیدن مغار مذکور نگارنده این اوراق آن
سنگهای مسجد جامع نقل و محفوظ نمود.

روی این تخت صورت هزار از سنگ مرمر پوشیده و قطعات
سنگ مرمر را بوضعی مرغوب تراشیده و بهم وصل نموده‌اند.

ظاهر این صورت قبر در عصر سلطان ابوسعید. یا سلطان حسین
با یقین درست شده زیرا که قصیده حضرت جامی که پیشتر نقل شد
سر اپای در پیشانی هزار روی یک تکه سنگ مرمر بخط نستعلیق همان
عصر کتبیه شده و این فرد که در گریاس در گاه نوشته نشد و در این
سنگ موجود است

تو فیق توبه جوز وجود گناه خویش تاواره هی ز د غدغه توبه و گاه.
دور ادور تخت هزار از سنگ مرمر پنجه کار دیست و گمان

میز و د که این پنجره چندین بیت تر هم شده ریوا که سنگهای
پنجره همنوخت و هم ساخت نیست.

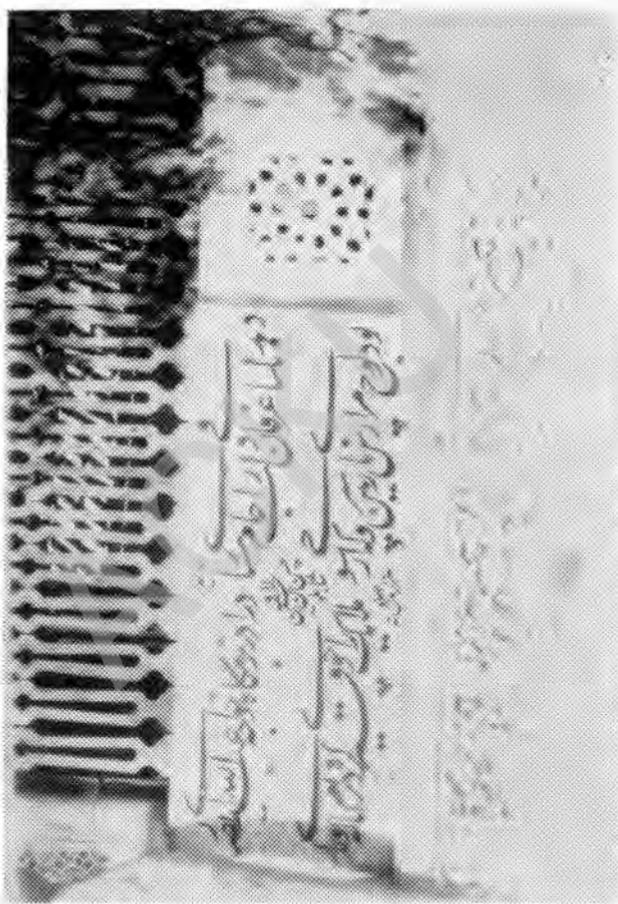
بالای قبر ضریعی چوبین بود که اندرون آن قنادیل آ و یخته
بودند بالای ضریع را از آهن چادر پوشیده ضریع موصوف بمروارایام
مدر و س و شکسته شده بود چند سال قبل ضریع موجود را حسب الامر
مرحوم محمد قاسم خان نائب الحکومه و توجه جناب میر صاحب
ساخته و با لای هزار مبارک نصب گردید.

لوح هزار پیر هرات:

حضرت جامی، میل سرمهزار خواجه را چنین ستوده
میل سرمهزار پر انوار او کشد زوار را بدیده دل کمال انتباه
حسن خان شاملو میگوید
بود لوح هزارش نایزین سروی که از شوخی

ملا یک را چو قمری کرده گرم ناله و اری
معین الدین اسفزاری در روضات الجنات چمن اول سجای نیکه
از چشم او به تعریف مینماید. معدن سنگ مرمر که در کوههای
چشم او به واقع است و سنگهای سفید آنرا میستاید؛ چنین مینویسد
منافع آن سنگ بسیار است و عجایب آلات آن در هرات
مینشمار؛ از آن جمله لوح و میلی مقصّل بکد بگتر اشیده. در سه
مرقد پاک و مدنظر فن عطرناک سرور اهل عرفان سالک ممالک شهود
و ایمان مقرب حضرت باری ابو اسماعیل خواجہ عبدالله انصاری قدس
سره است که در هیچ چامشل او نشان نمیدهند.

خط حسن خان شاملو هروی



این لوح عالی که همه آنرا نموده اند . یکم از نهای سندگان همانی هنر حجاری هرات است که در عصر سلطان ابوسعید کوکان بوجود آمده .

تاکنون هر سیاح جهان گردی که بکارزی گاه رسیده سندگ هفت قلم و این لوح نفیس دیده های آنان را خیره و بخود جلب نموده . گرچه سندگ هفت قلم از حیث هنر تقاضی دریزه کاری در جهان کم نظر نیست بلکه بی ساند است . معذالک لوح مزار خواجہ را از حیث طراحی و هیئت تراش هندسی میتوان سندگ هفت قلم آن جیح داد .

این لوح نفیس ، ازد و تکه سندگ مر سفید در نهایت ظرافت و همارت تراشیده شده هیل ولوح متصل یکدیگر از یک تکه و این نجیب اکوزه تحنانی از بک تکه دیگر ساخته و بهم وصل شده . کرسی الوح نیز از یک قطعه سندگ مرمر بصورت مکعبی فراهم شده ولوح راروی این کرسی استوار نموده و باز زیر آن را محکم نموده اند .

روی این سندگ عالی نفیس بخط ثلث عالی چنین نوشته است :

الاَكْلُ شَيْءٌ مَا خَلَقَ اللَّهُ بِأَعْلَلِ وَ كُلُّ نَيْمٍ لَا مَحَالٌ رَائِلٌ

هذا مهیط الاسرار و مقصد الا بر از ومشهد اوزار شهر دفیعه من شهد بمعلوم درجه انسان اهل العرفان ولا يقان واعتراف بر فعد مقامه من اغترق في بحار الكشف وعيون المشاهدة او لعيان الذي اذ تفعت منها زل السائرین اليه وعلت طبقات الزائرین حواليه واستودع كنز السالكين لدیه غواص ارجح التوحيد والتفريد المترافق على قلل الا ذواق ... سر الله في الارضين

حجۃ اللہ علی العالمین - الذی جذیبة ای عالم القدس جذبات الالطاف
 عن حضرة القدس الباری ابو اسماعیل خواجہ عبداللہ الانصاری قدس اللہ
 تعالیٰ فی منازل القرب روحه و ضاعف فی مجال الانس رتبة و فتوحه
 قد ظهر تعلق ارادۃ موجد القلم بانشاء هذاللوح المحفوظ الذی یظفر
 حملة العرش الی کرسیه بانتظار المیمه والجلال بالغدو والاصل
 فی اوائل محرم الحرام المنسنم بالانحراف والامظام فی سلک تاریخ
 سنه تسعم و خمسمین و ثما نعائیه .

در ظهر لوح قسمت بالائی زیر کلاه درویش سرمیل بخط ثلث کوفی نما
 نوشته شده الان اولیاء اللہ لا یم و توں ولکن بنتقولون من دارالی دار در پهلوی
 لوح بخط ستعلیق همان عصر بقلم نیم جلی نوشته و حکا کی شده

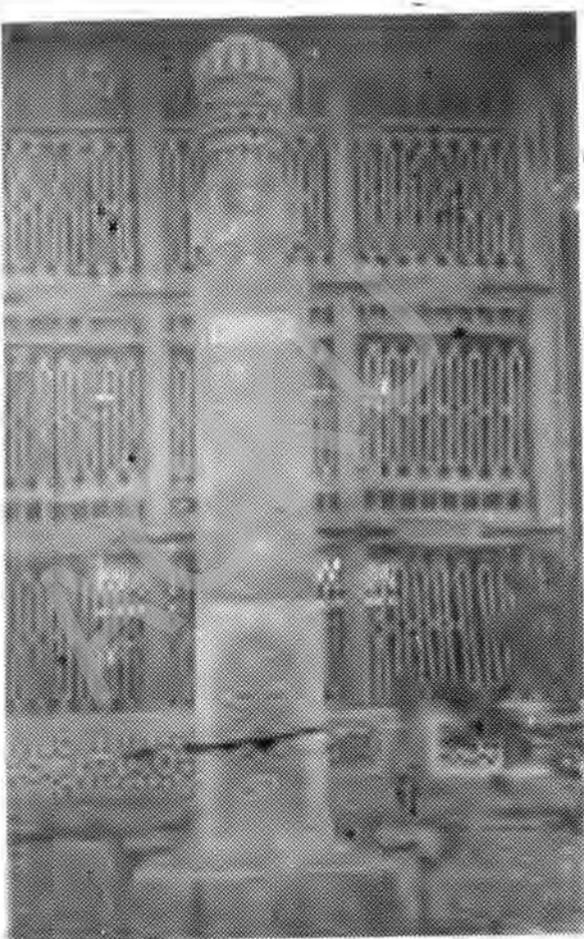
آن خواجہ که در ورت و معنی شاه است
 و زسر حقیقت دو کون آگاه است
 از روی حساب جمل ارد دانی «فات»
 تاریخ وفات خواجہ عبداللہ است

۴۸۱

پیش روی مزار یک قطعه سنگ عمر مرسفید نصب و این قطعه از طبع
 شبوای حسن خان شاملوی هر روی و بخط زبانی او نوشته و حکا کی شده .
 دهد تا ساقی عرفان دلت راجام هشیاری

درادربزمگاه خواجہ عبداللہ انصاری

بود لوح مزارش نازئین سروی که او شوخی
 هلا رکرا چو قمری کرده کرم ناله وزاری



لوح مزار حضرت پیره رات

در قدم حضرت خواجه او حی است که بامر هر حوم فرامرز خان
پیه سالار هنگام ترمیم مزار کاز و گاه تهیه و نصب شده.

این اشعار از گلزار طبع گلزارخان اسحاق زائی و بخط زیبای خلیفه
ملام محمد حسین سلجوقی در سرای اوح به نسخه معلق کتابت و حکا کی شده
دو پیشانی لوح بخط مقلعی (هو الحی الذي لا يموت ابدا)

در زمان شه دزیادل خورشیدلوا ظل حق داور دین خسر و اسلام پناه
می کن دایره معدلت عبد الرحمون

آنکه ملکش چو بهشت عرصه امنست و رفاه

نمده حاص دیش محمد دولت و دین
شاهد ملت و ملک افسرو و سلاح سپاه

خان ذو المجد فرامرز که زدی از در صدق
چون دم صبح علم بر فلك رفت و جاه

تاز سعیش لذت خیر تو ان ما نهاد
روی عجز از سر دل در قدم پیر هراة

تر بت خواجه انصار که از مدت دیر
بود مدروس ز تصریف زهین نوش سقامه

ساخت مر صوس و محجر ز رخام همچو نخست
صورت خوا بگه خواجه سقی الله ثراه

چون قلم لوح د کر در قدمش کرد بپای
تا بود بر حسب دعوی اخلاص گواه

یارب این عامل تعمیر چو تاریخ عمل
بر در کعبه هقصود رسدزین در گاه
پیش روی حضرت خو اجه قبر بست بنام شیخ اسماعیل فرزند پیر
هرات . تاریخ وفات این فرزند پیر هرات واضح نیست .
بالای سر هزارش او حی است که ۷۲۵ سال قبل ساخته و بتر بتش
نصب نموده اند .

این رباعی از طبع مرحوم ملا یحیی گاز رگا می بخط نستعلیق
نو شقہ و حکا کی شده در پیشا نی لوح بخط طغرامتو سلطان
(بسم الله الرحمن الرحيم)

رضوان پی نظاره و رفع در جات
آمد بطو اف مرقد پیر هرات

اوه خلفش دید بتاریخش گفت

بر سید کما بنات بیحد صلو آة

۱۳۰۹

پیش روی این قبر ، قبر دیگری است از پسران پیر هرات؛ صاحب
ابن قبر شیخ الاسلام شیخ عبدالهادی انصاری است که بسال ۴۹۲
در حصار شمیران بدست باطنیه بشهادت رسیده در کهندز مرخ هری
دفن شدند . اراده تمدنان در شب جنائزه شیخ را از مدنون کهندز
بر آورده و بکار رگاه پیش روی پدر (وظ . پهلوی برادر) دفن نمودند
در ذی قعده سال ۴۹۲ شرح شهادت شیخ عبدالهادی در روضات الجنان
اسفر ازی روضه ۱۱ بنفصیل مندرج است .

(۴۲)

این قطعه تاریخ نصب لوح بخط مرمر بالا سر مزا رش مکتو ب
و محکوک شده در پیشانی لوح. الهم صل علی محمد. بخط طغر ای عتو سط:
این مرقد منیر که از نوک لوح او
فواره و ارمید مد هر لحظه فیض نور

دانی ذکیست از خلف اصدق خوا جه
کن گرد آستاش کند کحل چشم حور
پیر هرات خواجه انصار گزدرو ش
محتاج را من ادرسد خسته را سر وو
بودم بفکر از بی تاریخ و گفتمنی
یاوب چگونه میشوم از این ملال دور
حور بهشت از پی تاریخ نصب لوح
سر از جنان کشید و بگفتا هو الغفور

۱۳۲۵

هر گاه سر جنان که حرف ج و عدد سه باشد از مجموع اعداد کم
شود ۱۳۲۵ بدست می آید.

بطور قطع و یقین معلوم نیست که این دو پیر کد ام یک از شیخ
عبدالهادی است و کدام یک از شیخ اسماعیل. برخی هم اولی را شیخ
عبدالهادی میدانند و دومی را شیخ اسماعیل بهر حال ابن و قبر تربت پسران
پیر هر اتند و تشخیص آن مشکل است در کازر کاه اشخاص بزرگ از
مشايخ و علماء و دانشمندان آنقدر بخاک سپرده شده اند. که ذکر

همه آنها در این رساله کوچک گجایش ندارد تنهاد کرچند تن از
بزرگان علماء که خاکشان واضح و اوح و کتبه بر مزار شان دیده میشود
و در داخل حیاط مزار خواجه مدفون نند و چند تن از شاهان و تمنی چندار
بزرگان معروف کاذر گاه که بیرون محوطه مزار مدفون میباشد:
اکتفا میشود.

مولانا فیصل الدین بن محمد علاء (۱)

در تخت قدم پیر هر ات مدفون و اوحی عالی بالای سر مزارش نصب و
این عبارت بخط ثلث ممتاز بلوح موصوف مکتوب و محکو ک است
اما ماقم مقصدی ذوی النعمه ذوالنسب الظاهر والحسن الظاهر حائز
أنواع الفضائل و أصناف المأثر قطب فلك المفاحير والمعالم
من كرز دائرة الاكباد والاعالي وارث علومه الانبياء والمرسلين ناصر
الاسلام وناصر المسلمين فصيح الملة والدين محمدين المو لى الا
(ام الہمام) «زایر بيت الله الحرام شمس الملة والدين محمد علاء
اسکنهم الله تعالى على فرادیس الجنان والبسهم بالطفة على ملابس
البر والغفران وقد كانت ولادته يوم احد الثالث عشر من شهر الحرام
سنه ستين وسبعين هـ وفاته يوم الثلاثاء الثالث عشر من جماذی
الآخر سنه سبع وثلاثين وثمانين هـ وهو كان مدتد عمره شعاور الزهد والنقوي
واوقات ايامه مصر وفة الى الدرس والفتوى وكان لا يجيء في الواقع

(۱) انتوا لش در رسا له مزار ات نسخ خطی وحبيب السیر جلد سوم ۱۴۵ و
۱۴۶ مسطور است

(۲) بین قوس تراشیده شده و بن حمدت خواهد میشود.

الاباهو الاصح عند اهشايخ والا قوى . ولا يكتب الجواب الا بعد المراجعة الى الكتب مرة بعدها خرى و كان ازمنه ليا ليه مشغولة بالطاعة والعبادة و مطالعة الملومه لشرعية والتلاوة . فلذا صار ذا ويخ رفاته تلاوة .

مولانا ضياء الدين نور الله خوارزمي (١)

این بزرگوار نیز در پایان پای حضرت خواجه مدفنون ولو حی عالی از مرمردار دواین عبارت بخط ثلث عالی : آن لوح مسطور و محفوظ کل شیء ها لک الاوجه له الحكم و ایه ترجعون الموت کاس و کل الناس شاربه و القبر باب و کل الناس داخله .

هذا المرقد المنور والمشهد المعطر للمولى (الامام) الهمام والبدر التمام العالم العامل الفاضل الشفاف النقي الذکری الزکی السنی الستنی الورع المتتبع المتدين المنشر ع قطب فلك الفضل والكمال مرکز دائرة العز و لجلال نور حدقه عيون الاعيان . نور حییة التقى .

(ظهر لوح)

والعرفان ناصح الملوک و السلاطین هادی الخلایق اجمعین سلطان علماء الافق مالک ازمنه العلوم بالاتفاق افسح الخطاب في عصره

(١) شرح حاشی در دو صفحه مزارات هرات و حبیب السیر جزو سوم

وآواته . افصح الفصحافي حينه وزمانه ناشر . المعمول والمنقول . عا هرانية لفرع و الاصول العارف با مراد الكتاب العامل بمحكم الخطاب علامة العلماني العالم استاذ اجلة الامة في العجم مقتدى (الانامهادى الامم كاشف غواص اسرار العلوم والحكم المشرف بن يارات بيت الله العرام المحترم ... فلك الدرس والتقوى شمس... الورع) (١) والتقوى رافع الوجه الشرع والدين قامع الملاحدة والمبتدعين صاحب التصانيف المرغوب به منشى التأليف المحبوب به ناصر الاسلام نصير المسلمين نور الحق والد بن نور الله بن المؤلي المعلم الامام المكرم سلطان الوعاظين برهان المفسرين ناصر الحق والد بن المنصورى الخوارزمى نورمرقده توفى يوم الاثنين فى غرة شهر ذى القعدة العرام المنتظم فى سلك شهرستة ثمان وتلثين وثمانمائة .

ابن مولانا نور الله خوارزمى راکه شرح در حبیب السیر ورساله مزارات مسطور است باید با نورالائمه خوارزمی صاحب مقتل اشتباه کرد .
مولانا معین الدین واعظ فراہی هروی :

وی پسر مولانا حاجی محمد فراہی است . مولانا معین الدین صاحب تصانیف عالیه است مثل معارج النبوة در سیر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآلہ و روضۃ الوعاظین . ومجالس . وموسی نامه وتفسیر تقره کار در تفسیر قصه یوسف علیه السلام . و دیوان غزلیات .

(۱) بین قوس مطموس شده و بیار بز جمت خوانده شد و محل نقطه گذاریها بکلی ناخوان است .

واین مولانا معین فراهی غیر از مولانا معین الدین اسفزاری صاحب
روضات الجنان است

دیوان مولانا معین الدین فراهی رادر هند سهواً یا قصداً بنام خواجه
معین الدین چشتی بطبع رسانیده اند و باید متوجه این اشتباه بزرگ
بود غزلی اذان دیوان ثبت این اوراق میشود تاخوانند گان محترم
ازین اشتباه مطلع باشند.

زیبیش خویش بر افگن نقاب دعوی را
بین بکسوت صورت جمال معنی را

بنز بسنگ ملامت زجاجه^(۱) ناموس
بکوی عشق بر یز آب روی قتوی را

چو هشت باغ جنان خوشة زخرمن هاست
به نیم جونخرم کشت زار دنیا را

بعق او که بکوئین دیده نکشا یم
که تا نخست نه پینم جمال مولی را

زبرگ برگ درخت وجود خود شنوم^(۲)
رموز عشق که گفت آن درخت موسی و را

گو ز آتش عشقت بسو ختم چه عجب
که کوه قتاب نیاورد دیک تعجلی را

معین بچشم خرد حسن دوست ننماید
بین بدیده مجذون جمال لیلی را

(۱) در اصل سخه. زجاجه ناموس (۲) در اصل. درخت وجود خوشنودم.

خاک پاک مولانا معین الدین واعظ در قدم فرزند پیر هرات واضح است ولوح تربقش از سنگ مرمر عالی و عبارتی بخط ثلث عالی با آن مکتوب و محکوک است که از نقل آن خود داری شد.

زیرا که لوح موصوف تانیمه بخاک فرورفته و بر آوردن آن مشکل بود: خاکش واضح و معروف است و بعلت فوق نقل آن برداشته نشد زیرا که تنها القاب از خاک بیرون مانده و نام و تاریخ وفات بكلی زیر خاک است و اعتماد با آن مشکل که لوح موصوف از ملامعین باشد یا از کسی دیگر که بگور مولا نما معین آنرا نصب نموده اند وفات ملامعین سال ۹۱۰ هجری است و گویا مولانا حسین واعظ و ملا معین هردو در یک سال از دنیا رفته اند.

در خلف تربت پیر هرات صندوق سنگ مرمر سفید خوشتراشی است و این عبارت بخط ثلث عالی مکتوب و محکوک است: - طرف بالا سر وفات المرحوم المغفور العبر ور خواجه محمد بن مولانا اعظم الا کرم مولانا محمود بن مولانا ابو بکر اللهم احشر هم بفضلک (۱) در پایان پا؛ و کان نزوله افی (۲) فی حد ایق الجنان بفضل اللہ ذی المیں والاحسان فی سیم ماه شوال سنه ست و سنتین و ثمانمائه (۳) در پایان پای قبر مذکور لوحی است بالا قبری که ظاهراً از جای

(۱) محل نقطه گذاری زیر خاک و گل رفته (۲) بیان غیرت رفتن از ول نیست (۳) صاحب این قبر معلوم نشد و در کتب رجال آن عصر نام اورا نیافتن

دیگر آورده اند زیرا قبره و موصوف تا چند ساله قبل وجود نداشت و
یا آنکه از محل موصوف از زیر خاک برون شده.

این عبارت بخط نیمثعالی خوش رسم دوی لوح مکتوب و محاکوک است
هذه روضه منوره من رياض الرضا و معطره بانوار الغفران
المرقد المرقد صاحب المعظم المكرم المحترم افتخار الصناع في العالم
مرضى الاخلاق و ملك الشيم الوacial الى جوار رحمته الله الملك الاكبر
استاد شهاب الدين عبدالله كمان گران المغفور خواجه جمال الدين زردوز
خاک خواجه آصفی هروی شاعر،

خواجه مقیم الدین آصفی بن خواجه نعمت الله ویر است.

خواجه آصفی شاعر شیرین بیانیست در عصر امیرعلی شیر نوائی
شرح حاشیه در مجالس النفایس حبیب السیر؛ خلاصه الاخبار، آتشکده
آذربایجانی در قطعه شعراء هرات مسطور و مذکور است.

خواجه آصفی بسال ۹۲۳ در هرات وفات و در کارزار گاه مد فون
شده، خاکش اندرون صحن حیات مزار پیر هرات است در جنوب
صحن موصوف ولوحی از مر هر بالاسر مزارش نصب و این عبارت و این
رباعی بخط نسعلیق متوجه همان عصر دوی آن مکتوب و محاکوک است
این رباعی را خواجه یکروز پیش از وفات خود گفت

سالی که در خ آصفی بهفتاد نهاد هفتاد تمام کرد و از یافتداد
زین مرحله رفت و گشت تاریخ وفات پیموده بقا سگام هفتاد

خطوط منسوب به میر عمار:

در ایوان بزرگ شرقی صندوق بزرگی است از سنگ مرمر سفید
خوشتر اش که روی قبر رسم محمد خان چنگیزی گذاشته شده (۱)
روی این سنگ عالی بخط خوش نستعلبق نوشته شده.

فروغ کوکب چنگیز خان آرایش مسند

بن‌کامی قدم بیرون فهادا ز عرصه امکان‌الخ

خوشبوسان متاخر این سنگ را از خطوط مر حوم عمار معرفی
مینمایند که به هیچ صورت (الخ) نمیتوان عقیده نمود زیرا که هیچ
شباهتی بشیوه مر حوم عمار ندارد مگر اینکه بگوئیم میر مرحوم بچند
شیوه خط مینوشه بحال سنگ موصوف به خوشترین خطی نوشته شده
دو قطعه سنگ دیگر نیز در ایوان موصوف موجود است که بشیوه
مر حوم میر عمار شبیه و ما نند است اما بطور قطع ویقین از خطوط
عمار مر حوم نیست زیرا که تاریخ سنگ موصوف بسیا راز عصر مر حوم
پایان تراست و این دو قطعه سنگ نیز بنام خط میر عمار شهرت دارد.

در سنگ اول این قطعه مسطور و محکوم است:

افسوس که دوران فلک کوکبی افگند

کز برج شرف تافنی از طالع مسعود (۲)

(۱) در قطعه بادشاهان ازان سحبت میشود.

(۲) این کوکب چطود از برج شرف مینابید که منجم در شب ملوای از
مرگ که جوانی او پیشگوئی نموده و طالع او را چنین دیده و برآستنی که این
پیشگوئی بیجاسیب مرگ شهزاده موصوف شده.

انداخت سهی ضروری از روضه هاهی
 گز ناله قمری شنی سوز غم آلود
 زاحفادشی کز شرف کعبه اسلام
 فیروزنی دین عاقبتیش ساخته محمود
 شهرزاده مسعود که با جمله معادت
 میداشت ... عادت ادب و پرد گئی وجود
 ددزاچه طالع او یافت منجم
 از مرگ جوانی خبری در شب مولود
 یا ذایقه الموت (کذا) زدنی چو نشان دید
 رفت و بچوار کرم لطف حق آسود
 ناریخ وفاتش چو خرد خواست زرضوان
 گفتا (به پیش آمد شهرزاده مسعود)

۱۲۶۳

سنگ دیگر :
 با نوی بلقبس سیرت مریم صدیقه صدق
 زهره زهرا سیرت پیرو خیرالنسا
 آسکه خود بودش در ایوان مجرم و انجم سپند
 در حریم حرمتش مه خواجه خلوتسر ا
 ماه برج کامرانی اخترا اوچ شرف
 درج دو گو هر که دوران یافت از هریک بها

آن یکی شهزاده اسکندر ضیای ملک و دین
وان دگر شهزاده اسادر آفتاب اعتدلا (۱)
علماء متاخر .

در کازرگاه آنقدر از دانشمند علماء و هنرمندان از هنرمندان و
متاخرین مدفونند . که ذکر همه آنها در این رساله کوچک گنجایش
ندارد . اختصاراً بذکر چند تن از آنها فیکه لوح و سنگی که بهمن از
شان دیده میشود پرداخته الواح قبور شان نقل و ثبت میشود
مولوی شمس الدین باد مرغانی .

از سادات باد مرغان و از علماء معروف عصر و زمان بود . در خلف
تر بت ییر هرات نزدیک ببالاسر آن بزرگوار یعنی پیش روی پایه شماری
ایوان بزرگ شرقی بخاک سپرده است و این ریاضی عالی از طبع شیوای
هر حوم ابو بکر تسلیم بخط زیبای میر عبدالرحمن هروی خوشنویس
معروف بلوح پایین پای مولوی موصوف مکتوب و محکوک است .

چون جو عمر روح مولوی شمس الدین
از گردش چرخ شد نهان زیر زمین

ایام کشید آه و تاریخش گفت
صد آه که شمس شد نهان زیر زمین (۲)

۱۲۵۳

(۱) قیه لوح شکته و مفقود است
(۲) هر گاه کلمه آه که بحساب جمل عدد هفت است از مجموع اعداد مصروف
ثانی که ۱۲۶۰ میشود کم شود تا در بین بدست می آید

این مرثیه نیز از طبع شیوای آن شاعر مقندر است که در لوح
 بالا سر به خط زیبای همان خطاط نامی کتبه و حکاگی شده
 افسوس کزسپهر شرف آفتاب فضل
 دریای علم و کان معانی جهان جود
 از آسمان شرع در خشید شمس دین
 آن وارث نبی که دلش گنج بحر بود
 سایل جواب ازو نشینیده بجز نعم
 آن فخر و پیشوای جهان وجهانیان
 از انقیاد حکم اهی نتافت سر
 طوبی و سدرد طایر روحش مقام ساخت
 شام از غم مش بلجه خون صبح مینه چاک
 قاریخ سال رحلت آن مجتهد عهد
 چون رحمت خدا شده شامل بحال او

ا

ناگه زوال یافت ذوران بیوفا
 خان علوم و سرور سادات مقندا
 کز ترق تا غرب همی نافتش ضیا
 از علم انبیا وز اسر اد اولیا
 در عمر جز بلطف شاهزاد نگفته لا
 اقبال را جود ید به تحقیق لابقا
 چون ارجمند رساند بگوش دلش ندا
 طوبی له و حسن آب و مرحیا
 انجم باشک حیرت شب نیلگون و طا
 رضوان بگوش حور چین داده زده را
 سال وفات وی طلب از (رحمت خدا)

۱ ۲۵۳

مولوی فیض الله باد مرغاغانی -

پسر مولوی شمس الدین مذکور است بعد از پدر بالاسحقاقی بکرسی
 خان علومی نشست چندی از هرات یعنوان سفارت به تهران رفت
 در باز گشت از تهران در مشهد رضوی بیدولتی نا جوانمرد اورا
 دعوت نموده بجامی شربت زهر آلوده بشهادت رسا نید .
 جنازه اش را بهتری آورده نزدیک پدرش بخاک سپردند .

مولانا بوبکر تسلیم حوض کرد باسی شاعر نامی و مقتدر آن عصر ترجیحی در
نهایت وزیری دارد این عالم شہزاده و این چند غردازان ترجیح است.

از توای محبی اسلام دریغ است دریغ

رفتت کام پنا کما دریغ است دریغ

ای تواندره دین گشته شهد اکبر

از جفا کاری ایام دریغ است دریغ

زهر جا سوزه که دشمن بکشد کیفر را

ریخت در کام تو از جام دریغ است دریغ

مهر روی تو کسوف آورد افسوس افوس

صبح عمر تو شود شام دریغ است دریغ

ای ڈکو نامی تو رفته باق صای جهان

از توای صدر نکونام دریغ است دریغ

علم و فضل تو درین غمکده آثارت بس

جاودان دردو چهان لطف خدا یارت بس

این مرثیہ طولانی است و قسمتی از آن در آثار هرات جلد سوم شر شده.

و نیز مرثیہ دیگری ازین شاعر نقش لوح قبر مولوی فیض الله
است که نقل میشود.

فریاد که این گردش گردون ستمگر گر عالی و گردون برداز جاه سوی چاه

عالی چو بود فاتی و باقیست خداوند حق راطلب ای عالم رو آر بدر گماه

در ماتم آن فخر زمان عالم یکناته هشدار که پوشیده فلک جا مه ماتم

خان علماء حامی دین رونق اسلام
 آن ماه شریاحش و چرخ سپادت
 ختم است بر اولاد پیغمبر چو شهادت
 فرمان از اجأ اجل آمده بر خواند
 با خلق حسن در کتف شاه خراسان (۱)
 اور قت بفردوس و قلک تا بد از غم
 شب اشک فشان جامه دران صبح کشداه
 «تسليم» چنین سال وفاتش بدعا خواست
 و الله مجیب جعل الجنة (۲) مشواه

۱۲۷۲

این اشعار از طبع خواجه عبدالمجید بیخود که از قریه بیچقی هرات
 بود به لوحی دیگر محکم است
 درینها کز جفا وجور گردون ستم گستر
 همی شد آفتاب شرع و علم و دین بخاقدا
 بهین فیاض کان بودی پناه عالم و آدم
 مر او را بر دو ملک دین و دولت گشت بی داور
 جمال دین و دولت مولوی فیض آن ذاتی
 که بودی سرور سادات و خان علم و فضل و فر

(۱) مراد حضرت ثامن الائمه است که مشهد طوس عدقو نند

(۲) جمل الجنة مشوه: باید جنته مشواه خوانده شود ناتاریخ درست شود

چو دیدا قبال رامقلوب و دنیای دنی رادون
 بشاخ سدره و طویی همی زد هر غ روحش پر
 ندای ارجاعی در گوش هوشش چون همی دادند
 شد از این خاکدان اندر ریاض خلد ره آور
 چو بود آل نبی آن منبع فضل و کرم (بیخود)
 توه سال وفاتش را بجواز (بوی بیغمبر) (۱)

۱۴۷۲

پایین پای این قبر! قبر مر حوم قاضی حسین خان باد مر غانی
 مر حوم قاضی حسین خان. فرزند مر حوم مولوی فیض الله شهید
 مذکور ویکی از علماء معروف هرات بوده سالها قضاوت هرات متعلق
 با آن عالم نامی بود
 وفات مر حوم قاضی حسین خان بسال ... بوقوع پیوسته و در قدم پدر
 شهیدش مدفون گردید
 خاک هزار خان شاعر .

مر حوم گلزار خان اسحاق زاده از شعر او فضلا نامی هرات
 مردی صاحب ثروت و تجمل و با خاک است و شجاعت بوده
 مر حوم گلزار خان. گلزار هنر و فضل بوده. در خط نستعلیق از
 شاگردان ملام محمد حسین سلجوقی است. در شعر و معمار و موسیقی در
 عصر خویش همتاز بوده مدت سی سال به رضا نقاشی بود .

(۱) چون اشاره مر حوم تسلیم و مر حوم بیخود ناه وز جمع و تقویت نشده
 هر دو مرتبه نقل شد تا معرف طبع آن دو شاهر باشد

و باين همه رنج هميشه خرم و خندان و بادوستان با کمال بشاشت و جوان
هر دی پسر میبرد. عاقبت بعلت همان نقرس بسال ۱۳۲۳ از دنیارفته
در صحنه اول هزار پیر هرات. نزدیک مسجد زیرزمینی پخاک سپرده
شد. نقل اوح مزارش همیشان شد زیرا که گورش زایکی از دود ماش
تحت ترمیم گرفته ولو حش را بروی خاک چه کذاشتند اماقا کنون
به ترمیش موفق نشدند . (۱)

از طبع مرحوم گلزار خان قطعات تاریخ بسیاری در دست است
وازانجمله این قطعه تاریخ را که در تبدیل کرسی لوح مرحوم امیر
دوست محمد خان سروده و متن سفانه در آن وقت این شعر عالی را
بکرسی هو صوف نوشته و اشعاری سنت بکرسی لوح نوشته اند، لازم
دیدم که در اینجا آذراق نمایم.

چون خدیو مقندر در مقعد صدق آر مید

بر مزار از لوح سنگین شمع بر با لین نهاد

فطرت سنگین کر انيها زبا لا بسر نداشت

بر بر دوش شکست پا یه زیر ین نهاد

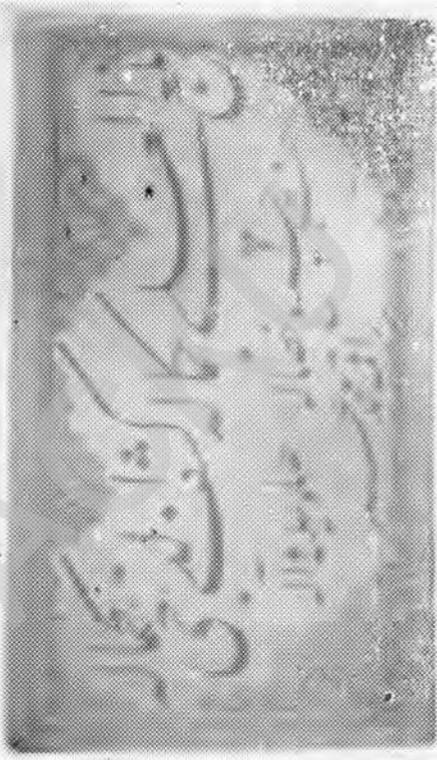
از تحمل مهره بیجا گشت ساق سنگ را

عجر طاقت پا بر ون از جادة تمکین نهاد

(۱) فوت گلزار خان را از یادآنها مرحوم قاضی صاحب ملام محمد صدیق
هوائی نگاشته ام .

بو المظفر عبد الر حمن خان بهادر کز نیا
 در نفاذ شرع و نظم مملکت به آئین نهاد
 نایب جم رتبه سعد الدین سراج الملک را
 بر بساط شاه هرخ از پشکه فرزین نهاد
 او چو وضع انصراف لوح جد شاه دید
 خدمتش تعدادیل را دکن د گر تعیین نهاد
 تاریخت لوح را سر چون قلم ساید بعرش
 زیر پای استقامت کرسی تماکین نهاد
 بعد رفع کسر و نصبش خضر در تاریخ گفت
 لوح را منصوبه بسیار قعه سعد الدین نهاد
 خاک محمد تشر خان خوشنویس
 مرحوم محمد عمر خان بر درانی، شاعر و خوشنویس معروف هرات
 بوده، او نیز صاحب ثروت و جواد و خوش گذران و صاحب اخلاق
 و آداب حسنہ بود خط نستعلیق جلی را بنهایت قدرت مینوشت . شیوه
 خطش شیرین و در نهایت صفائی بود، در جوانی سال ۱۳۴۱ بهرگ
 ناگهانی از دنیا رفته در صحن اول رو بروی حوض زمزم مدفون است .
 قطعه تاریخ از طبع مولوی ولی محمد مبتخلص به خایف بلوح خاکش
 بخط نستعلیق مکتوب و محاکم است که مقطع ماده تاریخ چنین آمده .
 امیدش همیشه بقرآن حق بود ازان گشت تاریخ اول فرقان (قرآن)

خط محمد عهرخان هرآنی



۱۰

شعر و خط شهاب تر شیزی

یکی از شعراء معن و ف هرات در عصر شاه محمود سده دو زانی
وههزاده کامران، میرزا عبدالله شهاب ترشیزی است که در شعر و حسن
خط و ریاضیات و موسیقی شهره آفاق بوده.

میرزا عبدالله شهاب، از شریعتی خان حاکم ترشیز، شاه محمود
پناه آورده سالی در هرات فیضت وی در هجوبین شعر امشهود بود.
اهاجی او سخت مشهور است مخصوصاً مثنوی کوچکی که در بحر
مناقب بهجو عبدالعلی خان موصوف سروده هنوز دست بدست میگردد
دیوانش نزد نگارنده موجود است و خطوط خوش اورا مکرر دیده ام.
شهاب تا پایان عصر پادشاهی شاه محمود در هرات بعزم زندگی
کرد و در حیات شاه کامران از دنیا رفت این قطعه شعر از طبع
شهاب و خط زیبای اور وی لوحی مرمر مکنوب و محاکوک بالای قبری
نزدیک تخت اولاد تیمور گذاشته است.

هزار حیف از ان سرو بو ستان شباب
که تند با داجل ناگهش فکند از پای

مه سپهر بزرگی وقدر . خالقداد
که هم سپهر محل بود وهم قمر سیما

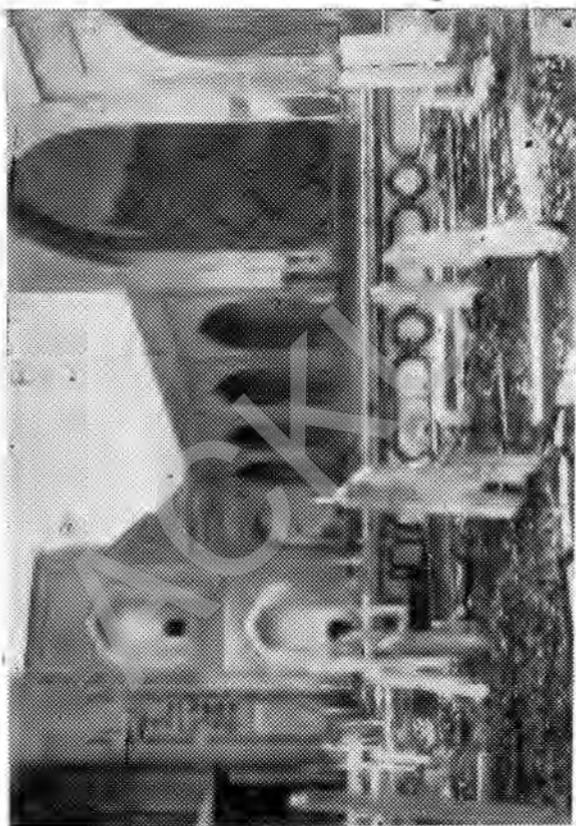
هنوز در چمن عیش فانها ده قدم
هنوز بر ورق گل نگشته غالیه سای

که با فبا ن اجل شد باره بیداد
بی فگندن نخل رساش پنجه گشای
درین سراچه فانی چو جای انس ندید
بسوی بز مگه خلد گشت رو پیما عی
ازین حضیض غم ورنج طا بیر رو حش
کشاد وبالسوی اوچ قرب همچو همای
(شهاب) سال وفاتش سوال کرد او عقل
جواب داد که (بادش بهشت مسکن و جای)
۱۲۰۴

این لوح رقم نداودواز شیوه خطش پیداست که از شهاب ترشیزی است.
مدفن بادشاهان:
تخت اولاد تیمور: اندرون حیاط هزار تختی است که از قطعات
سنگ مرمر سفید، هرنهایت انظام ترتیب و بهم وصالی شده، و دور ادور
تخت چون کمر بندی زنجیری از سنگ مرمر سیاه وصل افتاده که
زیائی تخت را دو چندان نموده و طوری سنگ سیاه را بین سنگ
سفید نشانیده اند که گوئی هردو سنگ یک پارچه و یک تکه است.
پهلوی تخت موصوف یک قطعه سنگ مرمر سفید بین حلقة زنجیر سیاه
نصب و این عبارت بقلم جلی هنرمند نامی عصر سلطان حسین میرزا یعنی
سلطانعلی خوشویس هرات شاکر دلااظهره روی مکتوب و محاک است (۱)

(۱) متأسفة این سنگها نفیس بواسطه آفتاب و باران سخت آسیدیده و بزحمت خوانده
میشود و هر چا بین قوسین گرفته شده بسیار متهم و بزحمت و قیاس خوانده و نقل شد.

تخت مزار اولاد تیمور اندرون صحن حیاط هزار خواجه صاحب



این صفة بدیع البینان منبع الارکان که از کمال صفات وصفا
وغایت بهجهت وبها حاکمی نزهت ریاضن (رضوان و) را و می زینت مناظر
جنان است و انوار رحمت الهی و آثار فیض فضل نامتناهی از ساحت با
(را حتش ل) (یح و تابان) از برای تر بت سلطان سعید) مغفو و غیاث
السلطنه والدین منصور واولاد میر ورش عمارت یا فت بتا و بین سال
هشصد و هشتادو دو که فضل بی پایان بیان آن (۱) می نماید و (تسیم)
خلد پرین از شما مم تربت غیرینش متنسم می آید ،
چون بهشت از مرقد منصور سلطان رخ نمود

این عمارت را بوجهی بس نکو (تاریخ بود) (۲)

حرره العبد سلطان علی المشهدی

روی این تخت شش صندوق سنگی از سنگ رخام سیاه بالای
قبوری نهاده شده قبر اول : بخط نستعلیق سیار شبیه بخط سلطان علی
مشهدی . این عبارت کتبیه و محاکوک است .

واقعه سلطان مرحوم بمروغیاث الدین منصور میرزا ابن باقر
میرزا ابن عمر شیع میرزا ابن امیر تیمور گور کان طالب الله ثراه
فی سنہ تسع واربعین وثمانائیه الهجریه .

این امیر غیاث الدین منصور که تخت و این مقبره برای وی
واولادش ساخته شده همان غیاث الدین منصور ، پسر سلطان حسین
باقداری معروف است .

(۱) فضل بحساب جمل (۹۱۰) میشود و اگر پایان فضل که حرف (ل)
باشد ازان کم شود (۸۸۰) میشود .

(۲) از فرد مذکور بوجه صورت نتوانستم تاریخ مطلوب را بدست آورم .

قبر دوم: بخط همان کاتب چنین نوشته است .

وفات محمد بن بایقراء میرزا ابن عمر شیخ میرزا ابن امیر تیمور
گور کان طاب الله مرقد هم فی سنہ ثلث و خمسین و ثمانمائه الہجریه
النبویه ،

قبر سوم: نیز بهمان خط و همان شیوه چنین نوشته شده .

وفات احمد بدیع میرزا ابن منصور میرزا ابن بایقراء میرزا ابن
عمر شیخ میرزا ابن امیر تیمور گور کان نور الله مضجعهم فی سنہ ست
وستین و ثمانمائه الہجریه النبویه .

قبر چهارم: نیز بخط همان کاتب است و گویا کاتب همه این
سنگها سلطانعلی مشهدی است واينست نقل آن .

وفات محمد مظفر میرزا ابن منصور میرزا ابن بایقراء میرزا ابن
عمر شیخ میرزا ابن امیر تیمور گور کان برد الله مضجعهم فی سنہ
ثلث و خمسین و ثمانمائه الہجریه .

ودر زیر آن بخط ریز نیم قلم همان کاتب نوشته است .

قاتله محمد بن بایستقر بمشهد المقدسه .

متاسفانه کنیه دو قبر دیگر را تراشید اند و ظاهراً کسی دیگر
را در این دو قبر دفن نموده اند که یکی از آنجله دختر سو فی
اسلام کروخی مشهور بحضرت شهید دریکی از این دو قبر دفن شده .
ظاهراً این تخت را سلطان حسین میرزا بالای قبر پدر و برادران
خود ساخته است .

سکت هفت فلم واقع در گازرگاه روی قبریکی از شهرزاد گان تموری



۷۲۴

سنگ هفت قلم :

سنگ هفت قلم یکی از نقايس روز گار است که خوشبختا به در جوار پیر هرات از گزند حوا دث محفوظ مانده .
این سنگ تقویس را از ان هفت قلم میگویند که استاد حجار هفت نوبت بالای آن کار کرده بدین ترتیب که در قلم اول بصورت صندوق در آمده و بقلم دوم آنرا صاف کاری نموده و بقلم سوم اندرون آنرا خالی کرده و بقلم چهار و پنج و شش آنرا نقاشی و بقلم هفت آنرا تحریر زده و پرداز نموده .

از قدیم الا يام در هرات معمول و مرسم بوده که عروسان را مشاطه آرایش مینموده ، و وقتی که از آرایش و پیرایش فارغ میشد میگفتند عروس را به هفت قلم آراسته اندوانین سنگ از نهایت نفاست و ظرافت بسنگ هفت قلم معروف شده یعنی اورا به هفت قلم آراسته اند .
در سنگ هفت قلم نام کسی ذکر نشده و از ماده تاریخ آن ۹۰۲ بدست می آید . واين تاریخ موافق است بحکم این که در باره سلطان حسین معروف است .

گویند سلطان حسین با يقرا یکی از اساقیه دا بتراهیدن دو سنگ یکی برای قبر خود و دیگری برای قبر پدرش موظف نموده با تعام شایسته اش نوازش فرمود و بهمالی بسیار امید وار ساخت استاد حجار بمدت هفت سال سنگ امیر غیاث الدین منصور را باساخت و هفت سال دیگر رنج بود تا سنگ قبر سلطان حسین با تمام رسید ; دران حین

یکی از پسران سلطان ده در دل پدر ساخت عزیز بود اف د نیا بر فت سلطان امر فرمود سنگی را که برای قبر وی ساخته شده بالای گور پسرش قرار دهند .

استاد حجgar آمده همانع نمود که این سنگ را از روی اخلاص ساخته و امیدا - ت سلطان آنرا برای تربت خویش نگهداشد .

سلطان حسین استاد را نواش فرموده گفت : این سنگ شایسته خالک فرزند من اس و میباید یکی دیگری برای تربت ما بسازی . استاد ساده دل بعرض رسانید که هفت سال تمام است که بسا ختن این سنگ رنج برده ام و اکنون هفت سال دیگر باید تا سنگی با این تقاضت ساخته شود .

سلطان حسین آن پادشاه حليم و سليم بخندید و گفت خیر است : من هم چندان بمردم شتاب ندارم و صبر میکنم تا تو سنگی بهتر از این درست نمائی .

این حکایت را در کتابی نیز دیده ام اما بکلی از خاطر برده ام که آن کتاب راچه نام است .

نام حجgar این سنگ نیز معلوم نیست و مثنا سفانه در هیچ کتابی از نیاد نشده اما میتوان تصور کرد استاد شمس الدین سنگ تراش هروی که در عصر سلطان حسین و امیر علی شیر نو ائی از اکمل هنر مدنان آن فن بوده و امیر علی شیر نو ائی . کار تراشیدن هنر مسجد جامع هرات را بد محول و فرموده مو صوف از یک تکه سنگ مرمر سفید

منبری در فهایت تقاضت و ظرافت ساخته بود .(۱)

جای تردید نیست که استاد مو صوف که از اساتید بزرگ سنگ
تواشی بوده و برای تراشدن منبر از همه اساتید عصر او را بزرگ نمی‌داند
و او نیز معتبری در کمال ظرافت و تقاضت قرارشده (۲) این سنگ نفیس
نیز به تیشه هنر پیشه خویش بوجود آورده باشد.

نظیر این سنگی دیگر یست که در مصلی (مدرسه سلطان
حسین میرزا بالای قبری گذاشته شده و گویا همان سنگی است که
سلطان برای قبر پدرش ساخته و این نظریه را کتبیه سنگ نیز تایید
مینماید و چیزیکه مایه اعجای می‌شود اینست که سنگی در کازر گاه
است گاریخ وفات غیاث الدین منصور سنه ۸۴۹ و تاریخ سنگ هفت قلم مصلی
سنه ۸۴۳ مرقوم شده و شش سال فرق در تاریخ وفات مردی ما نماید
غیاث الدین منصور پدر سلطان مقتدر که در عصر او کتب تاریخ
فراوانی بوجود آمده چنین تفاوتی مایه تأمل است.

در باره سنگ منقش غیاث الدین منصور موجود در مدرسه میرزا
دو قسمت مصلی بتفصیل شرح داده ام (۳)

سنگ هفت قلم کازر گاه بنقوش زیبا و اسلیعی های نمکین به عنان سبک

(۱) گویند هنگام استیلای صفوی در هرات شاه اسماعیل منبر مسجد جامع
هرات را بگردونه یست و به تبریز برد .(۲) راجع به منبر سنگی مسجد جامع
و استاد شمس الدین حیمار جو شود به خاتمه خلاصه الاخبار نسخ خطی

(۳) این قسمت از تاریخ هرات باستان را نوشته ام که تا هنوز بطبع نرسیده

نقاشی عصر قیموري ، يعني شیوه مخصوص هرات که نقاشان هنرمندانه از سبک قدیم خراسان و سلیقه چین بوجود آورده اند مزین است .

نقوش زیبای سنگ هفت قلم طبقه طبقه بالای هم حکا کی شده و تو در تو پرداز و تحریر یافته طما بهای باریک و گلها ی ریز با قلم فولا دین بچنان هنرمندی پرداخت و صیقل شد که هر یعنی منده را ای اختیار مسحور و مفتوح می سازد و گویا این همه شاهکاری بقدرت سحر و قلم جادو بعمل آمده که دست بشر وقدرت آدمی از عهده آن عاجز است .

بالای هر کل ، گلی دیگر و روی هر گ طرحی نویش کی دیگر بوجود آمده . بین این هم نقوش زیباده پیشانی سنگ بخط کوفی ممتاز نوشته شده ، الموت کاس و کل الناس شاربه .
ودر زیر بخط ثلاث عالی والقبر باب و کل manus داخله کتبه شده .
الاسرسنگ بخط نستعلیق بسیار شبیه بخط سلطان نعلی مشهدی نوشته است .

طیب الله تعالیٰ مثواه

بهرتا ریخ شه عالی قدر

ودر پایین پایی سنگی :

کرد تحریر (فقد طاب ثراه)

بر سر تربت اد کلک قضا

۹۰۲

و دیگر هیچ گونه اسم و رسمی از شاه یاشا هزاده که زیرا این سنگ مدفون است هذکار یافته و بطن قوى میتوان گفت این قبر پسر سلطان

حسین بایغیر است ، چنانکه در حکایت فوق ایز تذکار شد . اما اینکه از پسران متعدد سلطان کدام یک زیراين سنگ خفته است ، فعلاً به نگارنده واضح نیست و تقبیع یشتر لازم دارد که در کتب قابغی که ازاولاد سلطان حسین بحث نموده اند مروج شود که کدام یک ازاولاد سلطان بسال نهصد و دو از دنیا رفت .

قبور شاهان چنگیزی :

در کاizer گاه ، یک عدد شاهانی مدفوئند که در هیچ کتب و رسائل ذکری او شان به نظر نمیر سد . و ممکن است این پادشاهان از بمقایسه ای شاهان چنگیزی بلخ و بخارا بای شند .
شاهان بلخ و بخارا بواسطه وجود کتابی کو چک بنام تاریخ مقیم خانی تالیف محمد یوسف هنشی بلخی بمامرفی شده و از احوال آنان تاحدی اطلاع داریم ، ولی از شاهان چنگیزی هر ات هیچگو نه اسم و رسمی در کتب تاریخ موجود نیست و تنها قبور آنان بما معرفی مینماید که یک سلسله از اولاد چنگیز در هرات و غور و اسفرار و بادغیس (وشاید نقاطه دیگر) چند سالی حکومه رای داشتند .

ظاهر ، بعده آشوب خراسان و فتنه شیعیان و تجزیه آریانا و تسلط صفویه در هرات ،

این پادشاهان هرات و ما حول آنرا بدت آورده حوزه کوچکی تشکیل و حکومتی محلی بوجود آورده باشند . واگر شرح حالی هم ازین شاهان محلی در رساله باتذکر هست . فوشه شده باشد از هیان رفته و یا هنوز در

زوابایا و خبایا مسطور و مهجور است. که مارا بآن دسترسی نیست.

قبردصه محمد خان چنگیزی .

اندرون رواق بزرگ حیاط خواجه صندوق بزرگ و مرتبه دار نفیسی
است از سنگ مرمر عالی بسیار سفید که بعضی از خوشبویان معاصر
خط آنرا باشتباه به عمارت فرموده اند .

هر چند که خطی عالی و نهایت پخته است اما از شیوه خطوط تاریخ
کتابت واضح میگردد که خط از میر عمارت نیست و یکی از خطوط طان
کمنامه رات آنرا نوشته است نقل اوح درست محمد خان چنگیزی :
فروع کوکب چنگیز خان آرایش مسند

بنا کامی قدم پیرو نهاداز عرصه دوران
عزیز مصر دولت آفتاب هشتر شو کت

بهار بو سخان سلطنت رستم محمد خان

زاولاد عطا مش دود مان خسروی روشن
و ای عهد او را عمر و دولت باد جاویدان

غمین گردید ازو گر عالمی اور اچه غم باشد
که میگردد روانش در فضای روضه رضوان

سبک روحی شهارش بود زان در عرصه محشر
نموداز جنس اعمالش کرانی پله میزان (۱)

(۱) معلوم نیست کدام پاگنگین استوان مصرع نقش شعر شاعر انشان مجدد

هماند تا بعالم نفس لوح آیه نصیحت را
و زیوان قضای خامه اعجاز را فرماد

برون آمد یکنی ازغیب گفناسال تاریخش
بود در ملک سقیبی پساد شاه مسند ایمان

بالاسر صندوق بهمان خط نوشته شده . ۱۰۵۷

قرام‌سکن شدای عالی کهرسگک درین جنت سرای حور و متزل
بسی قبله تو دان و لی خان و لی عهد مر حوم فلک ظل
معنی رباعی فوق را نفهمیدم و ظاهر آین سگک بسعی ولی خان
ولیعهد ساخته شده صندوق سگک مر بر پهلوی قبر رستم محمد خان .
آن فازه نهال گلشن رستم خان تو باهه جان یار محمد سلطان
تاویخ وفات او خرد گفت روان روح پاکش بروضه جاویدان
تاریخ رباعی فوق مغشوش است و بحساب درست نمی‌آید .
اطراف سگک مرثیه نوشته شده که بزم حمت خواندن و نوشتن نمی‌ارزد .
اذرون ایوان موصوف صندوق دیگریست عالی و خوشنتر اش .
بالاسر صندوق بخط ثلث عالی نگاشته است .

کل من عليها فان و بیقی وجه ربك ذو الجلال والاکرام قد انقل
من دار الفرور الى عالم السرور ومن حضيض الملك الى ذرورة الامن هر فاق
سلطنه الا يام وابی على خوافين الانام بعزا بالجود والافعام و سخا بالافضال
والاکرام اعنی ..

طرف یا ین با.

السلطان بن السلطان بن السلطان صاحب رایسات والسيف
والستان منبع الكرم والجود والاحسان محمد عوض خان بن رستم
محمد خان البشمرگه لباس الفرقان اسکنهم با جبوحه الجنان فی قاریخ
شهر رمضان من شهور سنه سبع وستین بعد الالف من الهجرة النبویه
المصطفویه .

ایضاً اندرون ایوان مذکور صندوق سنگ هر مر عالی سفید و این
شعر بی ارج بخط نتعلیق بد نوشته شده .

محمد امیر بن خان والا جناب زاولاد چنگیز صاحبقران
زا او خاع عالم چود لکیر شد
بسوی بهشت برین شدد وان
ز عقل خرد هند پر سید خادم
چنین کرد تاریخ فوتش بیان
که در روضه جاودان باد جاودان

۱۰۷۷

صندوق سنگ سیاه آهایت نهیس نیز اندرون همان ایوان گذاشته
است و این عبارت بخط ثلث طرف بالا سر صندوق محکوک است .
تاریخ وفات مرحوم مخفوظه زین المؤمنات ناج المستورات ملکه . (۱)
طرف یا ین با .

(۱) بین قوسین منقوش و بزمت خوانده شد و محل نقطه گذا ری بکلی
تر ا شیده شد ..

طاب ثرا و فی الجنة مثواه فی ثالث شهر شعبان المعظم سنہ خمس
وستین و ثما نمائہ المجرہ الینویہ ۸۶۵

اطراف سنگ شمر معرفت، بارب قرار کا تودار السلام باد... الخ
بیداست کہ سنگ موصوف از شاهان چنگیزی، نیست بلکہ متعلق
به یکی از زنان عصر تیموریست ایضاً اندون ایو ان مذکور صندوق
سنگ مر مر عالی و خوشتر اش موجود است و این عبارت در پیشانی
سنگ بخط نسخ بد نوشته شده .

تاریخ وفات مر حومہ مغفوره ناج المستورات الملاطین

بغت رستم محمد خان، ۱۰۶۱

اطاقهای سمت شمال حیاط مزار خواجه، اطاق اول دارای هیچ
قبو و نوشته، نیست اطاق دوم تنها یک قبر موجود و روی آن صندوق
سنگ مر نفیس خوشتر اش و در پیشانی سنگ بخط ثلث عالی .
کلمه طیبه و درز آن، اذا تحریر قم فی الامر خاسته عیقو من اهل القبور،
نوشته شده و طرف بالاسر بهمان خط ثلث نگاشته است.

با هیچ آدمی اجل ایفا نمی کند سلطان مر گه هیچ مدارا نمی کند
عام است حکم میر اجل بر جهایان این حکم بر من و تو به تنهانمی کند
طرف پایین پا .

وفات امیر زاده اعظم تقاوہ الامر الى العجم و بقراحت الحضرت
السلطان امیر نظام الدولة والدين هیر محمد بن الامیر الكبير امیر

کمال الد واله والدین محمد خواجه فی عشرین
ذی الحجه سنه احدی خمسین و تما نماهه ، سنگه مو صوف از دوره
قیمو ریست.

خانه سوم قبر شاهر خ چنگیزی است. صندوقی عالی از سنگ مرمر
سفید خوشتر اش روی صندوق بخط نستعلیق عالی چنین نوشته است .
فر و غ کو کب چنگیز خانی ییگانه گبوه‌سی از درج قا آن
جهان رایاد کار از دود مانی
که گردی فخر ازان غصه فور و خاقان
بهمار ببوسته ان عنز واج لال
نموده سلطنت در ملک توران
که گردد همنشین با حوزه غلمان
چو وقت آمد زنگدیر خداوند
پسوند پیروں نهاد از غر صه دهر
شدم من از خرد قاریخ جویان
که (رفت از این جهان پا نور ایمان)
چو از دنیا سوی عقبی سفر کرد
پیگوش هوش من هافف چنین گفت

۱۱۵۹

پهلوی قبر شاهر خ صندوق دیگری از سنگ مرمر گذاشته واين اشعار
بخط نستعلیق خوش روی آن نوشته است .^(۱)

خلف دود مان چنگیزی شرف دین محمد قبلی سلطان

(۱) اين شرده مرد است و جون اشاري ستوپست است . بيشتر اين موانع را
بطور اختصار نقل می نمایم .

نو جوانی بخلق نیکو طاق
بود اندترتن مروت جان
بسخا و کر م یگا نه عصر

بهر تاریخ سال فوتش عقل
چون ریاض جنانت مسکن او
سال قاریخ شد (ریاض جنان)

۱۱۵

در عقب این خانه گفیدیست که ظاهر برای دفن میرزا سلطان «محمد بن
با یستقر ساخته شده»

این گفتند از بیرون حیاط خواجه طاقی بزرگ دارد که صورت ایوانی
از بیرون جلوه گر است و اکنون از تزئینات کاشی و آسنر کچ عاری
و مشرف بخارا بیست.

در واژه گفید که ازین ایوان کشوده میشده اکنون مسدود است.
وراه آن از خانه که قبر شاه رخ چنگیزی در آن واقع است. گشوده شده.
صدوق قبر میرزا سلطان محمد از سفگه رخام سپاه در نهایت ظرافت تقاضی
و حکا کی شده.

در دو پهلوی سفگه بین تراج های بازو بندی بخط ثلث بسیار عالی
نوشته است السلطان المظفر والخاقان المنصور غیاث الحق والدین سلطان
محمد بن باستان غر بن الامیر تیمور او اوح الله مقاماً محموداً
و جمله بر حمه محمود افی خامن عشر ذی الحجه

طرف پایین پای قبر تراشیده شده و بقیه تاریخ قوت خواهده نمیشود .
پهلوی قبر میرزا سلطان محمد . صندوق مرمر سفید عالی خو شتر اش
بالا سر صندوق بخط ثلث نگاشته است .

هذا روضه من ریا من الرضوان منوره من انوار الغفران الامیر
..... (تراشیده شده)

طرف پایین پاهر شیه است که بر حملت نوشتن نمی ارزد و پیداست که
از امرای عصر قیمودست سنگی دیگر از مرمر عالی مرتبه دار خط خونی
ست علیق اما اشعاری پست و ناهموار روی آن کتیبه یافته از قبل آن صرف
نظر شد .

خانه چهارم ، اطاق اول هیچ قبر و سنگی ندارد و در پستو گنبد یست
عالی که بمرور زمان تزئینات کچ کاری و نقاشی آن فرو پاشیده ، از ارده
خانه پکاشیهای لا جور دی و فیروزه بصورت گره بست هزین است .
در این خانه صندوق سنگ سیاهی است منقش و نقیص و طرف بالا سر
صندوق بخط ثلث عالی نوشته است .

روضه هیئت منها نسایم الرضوان لحضرت من روح الله روحها روایح
الغفران و حی الملکه العادله دو روز صدف السلطنه عصمت الملک
والدوله فیروزه بیکی البسها حلل النور طرف پایین پای قبر ،
وقد فازت با جایة دعوت الحق بقلب سليم واستبشرت بر حمه
من الله و مغفرة ومنه و هو الففور الرحيم في خامس عشر من شهر المحرم
سنه ثلثات و سبعين و تمامائه الهجریه

قیروزه بیکمی صاحب قبر شناخته نشد . والدۀ سلطان حسین نیز
قیروز نام داشت و به قیروزه بیگم معروف بوده اگر تاریخ و فات والدۀ
سلطان از کتب تاریخ بدست آید میتوان در این باره قضاوت نمود .
صدوق سنگ هر مر خوشتراش مرتبه دار . هردو پهلوی سنگ به
زرحل ولاجورد منتش و وزراندود شده . این مرتبه پر سوز ولی سست
و بی ارزش بخط عالی نستعلیق بالای صندوق محکوم است .

از حدیث فورت این مرحوه غفاران پناه
شیونم جوشد زلب چون از هل پر دردآ .
رخت هوش را تمیا ز احریم قدس برد
کشت جسمش را حطیم کعبه ول تکیه گاه
همکفان را از نگاه واپسین پدر ود آورد
کرد سبز از اشک حسرت با غماتم را گیاه
از هصیبت نامه این مهد علیا دوز نیست
سبع ساوند حبیب کافوری چود لق شب سیاه
از توابی دلخواش نوحه سنجش می چکد
أهل ها قم رابجای گر یه سوتاب از نگاه
یارب این ناموس عالم را بنور فضل خویش
پاک کن ز آینه اعمال ز نگار گماه

جستم از تحریر لوحش سال رحلت عقل گفت

(مهمت) (۱) انوار عنو ازلطف بیچون الله

۱۰۹۶ یا ۱۰۹۵

این مرثیه نیز ده فرد است و صاحب این قبر بطن قوی همان مهد علیای
بانی حوض اوبه و حوض زمزم کازار گاه میباشد و ظاهر حوض زمزم
را در حیات خویش شروع به ترمیم نموده و عمرش و فانکرده واز دنیا
رفته و حوض را از میراث او با تمام رسائیده اند و این مفکوره را فرد
ذیل که در طاق حوض رمزم نوشته است تایید مینماید.

کرد تعمیرش ز احفاد قا آن مر حوضه.

بهر تحصیل ثواب واقعی و خیر جز بیل

خانه عقب ایوان شمالی :

در عقب ایوان شمالی خانه بزرگی است که مزین و منقش بوده.
از ارۀ خانه پکاشی فیروزه ولاجورد بشکل گره بندی زینت یافته،
سقف و دیوار به نقاشی های دیواری رنگ و آیات قرآنی مزین است.
قبوریکه در این خانه موجود است هر یک صندوق و قی عالی دارد.
صندوق اول سفگی خوش تراش و مهون نوشته

صندوق دوم بخط نستعلیق خوش چینی نوشته است (نقل اختصار

(۱) کذا فی الاصل و اگر مهبت بضبط صحیح (مهمت) نوشته شود ماده تاریخ
کشاور سروه دوست نمی آید.

محترم مستوره کز بخت بلقد
 بود بلقیس سلیمان جا یگاه
 فاتمه آخمیر مریم صورتی
 مجله پرورد عباد الله شاه
 رفت سوی رو شه دار السلام
 جایجا گیسوی حورش رفت راه
 جسته مش تاریخ رضوان گفت شد
 صدر جنت چایگاهش جا یگاه

۱۱۲۷

باید نون جنت مهدد حساب نشود .

گویا صاحب اصلی این سنگ کسی دیگر بوده و کتبه آن نیز
 بر جاست و ضایع نشده نقل آن اینست طرف بالا سر سنگ چنین
 نوشته است .

قبله احباب غازی بیک آن
 کز جهان بودی خطا بش لیک ذات
 از نهیب چشم زخم روز گار
 شد شهید از زخم لیغ حدثات
 آه غازی گشت تاریخ وفات
 چون نفس در سینه شد آه از غممش

۱۰۲۵

سنگ سوم صندوق عالی بزرگ مرمر سفیدخوش بخط نستعلیق نوشته
 است .

همات اوچ عصمت کان عفت
 فرشته طیفچی از نسل قاآن
 نه-ال-بـا کمال بساغ چنگیز
 لژادخاندان جودواحسن (۶)
 چو جستم سال فوتش از خرد گفت
 بود محصوله احفاد خاقان
 اصل مرثیه ۱۲ فرد است
 ۱۱۱۰

سنگ چهارم صندوق عالی مرمر بز د گ مر قبه دار خوش ترا فن، هردو
پهلو بزر حل ولا جور دمنتش وز راندود. روی صندوق بخط خوش نستعلیق

شود شکسته دل آن خامه سیاه ز بان

که نوحه گر بود مولویه سنج و هر شیه خوان

چکو نه شرح کتم قصه و فنا ت شهری

که بود زند گیش باعث حیات جهان

بعزم خلد محمد رحیم خان چو بود

ز آ شیانه تن شا هبازد و ح ر و ان

پس از بشادرت عفو فن مبشری ز ملک

بیر د گفت محمد رحیم خان ایمان

(تاریخ مشوش است واز حساب درست در نمی آید)

اصل مرتبه دوازده بیت است که با اختصار نوشتند شد.

ناکفته نماند که در عصر این شاهان محلی شعر و شاعری در کمال
انحطاط بوده اما پایه خط و خطاطی رو بار تقاعد داشته و اگر نقاشی های
دیواری خانه ای قبور این شاهان را از عصر خود آنان بدانیم شک نیست که
هنر نقاشی هرات نیز در کمال ترقی بوده و نا آن عصر رواجی کلی داشته.

قبر مرحوم امیر کبیر دوست محمد خان :

مرحوم امیر دوست محمد خان با عسکری جر ابرای سر کوب نمودن
سردار سلطان احمد خان برادرزاده خویش که طغیان کرده و در هرات
اعلان پادشاهی نموده به رات آمد و قلعه هرات را محاصره نمود. پس از

یک محاصره بالآخره مر حوم امیر وفات نموده. جنائزه مر حوم امیر را فاتحانه
بشهر هرات داخل نموده اهل هرات با کمال سو کواری و گریه وزاری جنائزه
مر حوم امیر را بکافر گاه آورده. بالاسر حضرت پیر هرات دفن نمودند.
قبر مر حوم امیر روی تختی است مرخم و صندوق قبر از سنگ مرمر مزین
با آیه الکرسی و درود شریف مزین است و اطراف تخت پنجه ره رخامي دارد.
این عبارت به لوح بالا بخط ثلث متوسط نگاشته است.

کل شيء سيموت وهو الحى لايموت

يامعاشر الاشراف وقد شرف على نير السلطنة الانكشاف حيث وجد
عنان التوجيه من دار المغرور الى فضاء عالم النور الامير الاعظم والمولى الاكرم
الافخم مالك سرير الحكم به السيف والسيان قامع اساس الظلم والبغى
والعدوان .عمدة الملوك والسلطانين ذبدة السلاطين و الخوافين ناظم
قواعد الجمهوه بالرأي الصائب كأفل مهام الانام بالفکر الثاقب مروج
المله الحنيفة .

البيضاوس معاهد الشريعة الفراذ اصر عباد الله حامى بلا دال الله الامير
بن الامير امير دوست محمد خان طيب الله بشناسيم السعادة ثراه و ...
بسحابي المغفره مثواه و كان انتقاله الى مساح العجنا وخر وجه
من الجب العنكري الى مصر لقاء الرحمن في الثالث والعشرين من شهر
ذي الحجه الحرام شهور سنه تسعم وسبعين و مائين بعد الالف من هجرة النبيه
١٢٢٩ ظهر اوح مزین به اسماء الحسنی .

دو قسمت پایان یعنی سنگ کرسی لوح این اشعار بخط نستعلیق مر حوم

محمد عمر خان خوشنویس هراتی و شعر از میرزا گوهری هروی لگاشته است

زبهر نام نیک کهف عالم افسر کا بل (۱)

امیر ابن الامیر آن شاهه ریا دل

شهنشاه بلند اقبال با فر عبد الرحمن خان

که آمد کشته اسلام را محروسه اش شامل

زعد لش آنچنان افغانستان امن و امان آمد

که آهو در کنار شیر فرمان میکند هنر

مراین لوح همایون بازار نقش و نصب آمد

بسی و اهتمام جانفشا نش حاکم عادل

جهان علم و حلم و فضل سعد الدین که توفیقش

به خیر دولت آن. رکارهای خیر شد مایل

چو آن سر لوح اول را شکست از گردش ایام

رسید و هی بید بهر حرمت جد شه بادل

زراه صدق و اخلاص و یقین شد ساعی و بانی

که تآید زنقص و کثرا لوح مقجعش کامل

رقم زد گوهری تاریخ سال نصب لوحش را

زهجرت یکهزار و سیصد و هفت است بی مشکل

پتا دین دگر پا رجا آود و گفت از فکر

ذنو آباد شد لوح خد یو آن اعدل عادل (۲)

(۱) کذا. والظاهر افسر کامل (۲) ظ، لوح همان لوح اصلی است و کرس

لوح راعمن نموده اند و جو عشود بشیر گلزار رخان از صفحات قبلی همین کتاب

راقمه محمد عمر

لوح قدیم شکسته وازمیان رفته وابن لوح مرحوم سعد الدین خان
نایب الحکومه آن عصر هرات ساخته و نصب نموده
این هرثیه از طبع میرزا محسن خان کابلی به لوح پایین پا بخط
نستعلیق هر کن شده .

هری اسبرج سلطنت ای دوستان گرفت
کفر حسرت فروغ جما اش جهان گرفت
شهی خموش گشت که دو دمیبیش
شد آتش غم و بهمه دو دمان گرفت
شد خسروی زد هر که دایم بعاقمش
پیر و جوان فرقه افغان فغان گرفت
یعنی امیر دوست محمد که قیچ او
خورشید سان کران جهان تاکران گرفت
تا پای او فهاد قدم بر سر یز حکم
دستش گلاه سروی از سوزان گرفت
حکم آن چنان نمود که کلک فر استش
انگشت بر عدالت نوشیر وان گرفت
ده آن چنان برفت بخورد و بزرگ خویش
کش یک بزرگ خورده بکارش توان گرفت

هر گز بعمر خو يش ذکس د لگران نشد
به اینکه هر که هر چهبر و سر گران گرفت
تسخیر کرد ملک جهان را بحسن خلق
آری بحسن خلق جهان می-توان گرفت
نگرفت کس بد هر عنان عز یمتنش
غیراز اجل که آخر عمرش عنان گرفت
در عهد او بمهد امانت غنو د خلق
زان سان که از زمانه زمین صد ضمانت گرفت
ره را چنان در هنر ناپاک پاک ساخت
کز دزد هزد بد رقیه کار و دان گرفت
از بسکه ههر با نباعز یزان خو يش بو د
نتوان بخمامه معنی تفسیر آن گرفت
که سان وقار او بهری لنگر او فکند
از جنب ملک میمنه تا کوهستان گرفت
بنمود فتح شهر هرات و سپه د جان
مردانه واد شهر هری را بجان گرفت
محسن سوال کرد ز پیو خرد که آه
ما زیخ فوت این شه غازی چسان گرفت
بین محاصره بی بی بسو نوا به دختر امیر دوست محمد خان زوجه
سلطان احمد خان از غصه اینکه چرا شوهر من دست به تعزیه مملکت

آلوده و باعموی خویش یاغی و پاucht این همه خونریزی شده مریض
شد و از دنیا برفت جنگ از جانبین معطل شد و جنازه مرحومه را
بکازرگاه برد و در صحن اول تزدیک خانه زرنگار دفن نمودند و از هر
دو طرف عزائی بر سر گرفتند و بعد از مراسم عزا داری دوباره بجنگ
پر داختند.

چند روزی گذشت که خود سردار سلطان احمد خان مریض شد
ووفات نمود. دوباره جنگ معطل شد جنازه سردار را بکازرگاه برد
پهلوی نوابه دفن نمودند و بار بعزا داری با شرک مشغول شدند و پس
از عزاداری؛ امیر شهناز خان پسر سلطان احمد خان جنگ را دوم
داد و توب بزرگه زلزله را^(۱) در کارخانه هرات ساخت و با جد خویش
در جنگ بود. تا شکست خورد قبر مرحوم سلطان احمد خان
در صحن اول تزدیک خانقاہ بزرگ که بخانه زرنگار معروف است
واقع و این اشعار به لوح آن محکوک است.

بالا لوح بخط ثلث بد نوشته شده و اشعار بخط نستعلیق ملام محمد حسین
سلجوچی است.

ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل عليهم الملائكة؛ الى آخر آية

(۱) توب زلزله توب بزرگ است و از نفایس صنعت ریخته گری هرات است
که از هفت چوشه ریخته شده و اکنون در پارک شرقی مسجد جامع هرات گذاشته
است.

کلمی شیء هالک الا و ججه معنیش چیست
 یعنی هر چیزی است فانی غیر رب العالمین
 ما سوی الله جملکی آما ده راه فنا است
 جن و انس و وحش و طیر این نکته را میدان یقین
 آفتاب آسمان حشمت وجاه و جلال
 ناشر علم وعدالت ناصر شرع مبین
 آن عظیم الشأن سرداری که چشم کس ندید
 ذروه پاینده خان راه میخوا آن مسند نشین
 والمجاهدظلل حق سلطان احمد خان که بود
 مرغ روحش چون زدای ارجاعی از حق شنید
 شادمان کرد آشیان در روضه خلد برین
 چون شد از دار فنا فدر بقا رضوانش گفت
 هذه جنات عدن فاد خلو ها خا لـ دین
 شد جوار پیر انصاری مقام و مدد فشن
 بادر حمت دمبدوم بر جانش از جان آفرین
 مرقدش را کن منور یارب از فضل عیم
 از طفیل سرو ر عالم شفیع المذنبین
 سال تاریخ وفاش را سروش غیب گفت
 جنت جا وید جـا با شهر یار داد و دین

مرحوم امیر شهناز خان پس از فتح هرات سالها در خارج وطن
آواره بود قادر تهران از دنیا برفت. جنازه اش را به رات آورده نزدیک
قبر پدر پهلوی مادرش دفن نمودند. اکنون هر سه قبر سلطان احمدخان
و نوابه و شهناز خان روی قختی مو جود و قنها قبر مرحوم سلطان
احمدخان لوح و کتبه دارد.

قبر فرامرزخان سپهسالار :

اندرون حیاط خواجه سه سپهسالار مدفون اند که هر سه نفر را فرامرز
نام بود، یکی فرامرزخان سپهسالار امیر شیرعلی خان. بالای قبرش
صندوقی مرمریست و روی آن چنین نوشته شده.

هذا مرقد مرحمت و غفران پناه سپهسالار ممالک افغانستان فرامرز
خان بهادر غلام جان نثار امیر کبیر امیر شیرعلی خان دام غزه و اقباله

وفاته في تاريخ شهر ربیع الاول سنہ ۱۲۸۸
قبر دوم از فرامرزخان دیگریست که سپهسالار بوده. اکنون لوح
قبرش را بالای گورش چه گذاشته اند و نتوانستم نقل آنرا بردارم.
دو سال قبل این لوح بیابود قبر سوم. از مرحوم سپهسالار فرامرز
خان نور ستانی است. که طرف بالا سر پیر هرات نزد یک قبر امیر
دوست محمدخان مدفون است.

مرحوم فرامرزخان. غلام امیر عبدالرحمن خان بود؛ وی مردی
صالح و پارسا و نیکو کار و مدت بیست و چهار سال در هرات سپهسالار
بود. آثار خیر فرامرزخان در هرات بسیار است.

بالا سر سپهسالار لوحی است بخط نستعلیق متوسط آخندزاده ملام محمد حسر

سلجو قی (۱) مرثیه نگاشته است که بطور اختصار نقل می شود.

بین ترج بخط معقلی نگا شنے شده

فرامرز بودم شهدادر بسالاریم کرد او معبر

فرد فوق سجع هیر مرحوم فراز خان بوده

افسر عسکر فرامرز خان با فرو وقار

ستم دوران سپهسالار با تمکین ممکین

سال عمر شصت و هفت و حکمرانی بیست و چار

بر زبان کس نیامد الا بر وی آفرین

رونمودار آستان فیض پیر عقل گفت

بهر تاریخ وفا تش یا شفع المذنبین

۱۳۲۳

مزاولات بیرون صحن مزار پیر هرات

در گاوزدگاه، اشخاص بزرگ و مردان نامی بسیاری مدفونند که

ذکر نام همه آنها از هو صلة این رساله بیرون است، اما از تدکار

بعضی که لوحی بمزار خویش دارند و یا نام او شان در کتب و جال سخت

معروف است برای آشنائی خوانندگان محترم محل قبر او شان معرفی

می شود و در این باره از حوالی حیا ط پیر هرات آغاز مینمایم

(۱) ملام محمد حسن غیر از خلیفه ملام محمد حسین سلجو قی است

خاک شیخ ابواسحق مرهدی

بیرون حیاط مزار خواجه در منفصل بایو ان شرقی طرف شمال
محوطه ایست و در قبر در آن موجود است که بالای آن درخت پسته
بزرگ کهنه سالی صایه انداز است.

قبر اول بخط ثلث عالی این عبارت نوشته است.

هو الباقي .

توفی المخدوم المولی شیخ شیوخ الاسلام والمسلمین مرشد طوایف
البرا ایا اجمعین امام الائمه المتبحرین موید اعظم العلماء المحققین
وارث علوم الا نبیا والمرسلین مولی اکابر زخاریر الفضلا المحدثین
... ناصح اعظم الخواقین صاحب التکھیل والارشاد مخدوم اصحاب
الفضل والر شاد والی ولا یه مقتدای اد باب الهدایه قطب و قته
بالاستحقاق الشیخ جمال الحق والملة والدین محمد ابو اسحق ابن المولی
شیخ الاسلام الا عظم السعید استاد اکا بر علماء زمانه شیخ شیوخ
الاسلام و مرجع اهل الحديث فی آوانه جلال الملة والدین ابی الفتح
احمد بن المولی شیخ الاسلام الا عظم السعید الربانی مرشد الخلائق
فی عصره فخر الملة والدین عمر المرشدی الگازر و نی رضی الله تعالی
اجمعین عنهم فی یوم الاربعا الثالث عشر من ذی قعده فی سنہ ثما ن
وعشرین و ثمانمائه و کانت ولادته غرہ جمادی الاولی من سنہ تسعمو
خمسین و سیعمائیه

پیداست که این شیخ ابوسعید گازروی از دو دمان حضرت شیخ
ابراهیم بن شهریار گازروی شیرازی است از مشایخ قدیم شیراز
و معروف به شیخ مرشد که شرح حاشی در نفحات مسطور است وهم
کتاب در مناقب او نوشته اند بنام فردوس المرشديه
قبردوم؛ چنین نوشته است بخط ثلث عالی و خوش قلم؛
هو الحی لآلہ الاھولہ الحکم والیہ ترجیعون

هذا مرقد العضرة المخدوم الاعظم شیخ الشیوخ و ملا ذالمربدین
فی العجم علی الہم بھی الشیم بحر الخضم والطود الا شم سلطان
المحدثین برہان المحققین حاوی مشکلات العلوم الثاقبہ ناصب
روايات الفنون الجامعه شارح اخبار صید المرسلین ناصر آثار (کذا)
المنتقد مین اسوة از باب التقى قدوة اصحاب النہی جامع المسماو
والمعقول مبین الفروع والاصول الواصل الى جناب رحمته الملک
الحمدلشیخ مشایخ الاسلام سعید الملة والشیریعته والدین محمد المکنی
بابی سعید ابن المولی و شیخ الاسلام مرشد طوایف الانام المشرف
بن زیارة بیت الله الحرام سید ارباب الحديث سند أصحاب التحدیث جمال
الملة ولتفوی والدین احمد بن الشیخ الاسلام المرحوم المفقور
العاضی فخر الملة والدین عمر طاب الله ثراه وجعله فی الجنة من
هلازمی النبی صلی الله علیه وسلم ورقائمه ثم انه قد توفی فی غرہ ذی القعدۃ
الحرام سنه ثمان وثلاثین وثمانمائة هجری ابوعصر خیاز هروی .

در کازرگاه مسجد جامعی است و شهرت دارد که حضرت شیخ عمومیه آنرا اساس گذاشتند! همچنین در محله پایین خانقاہی است که اهل محل در زمستان نمازپنجم گانه را در آن خانقاہ میگذارند و عقیده دارند این خانقاہ شیخ عموم است.

دومسجد جامع موصوف بالای تختی دو قبر است که یکی صورت آن به سفنهای خارا پوشیده شده و دیگر بکلی هموار شده و آثار آن پدیدار است. یکی ازین دو قبرا بونصر خباز است و دیگری ازا ابوالحسن سوهان آژن. و بهر دو قبر لوح و کتبیه دیده نمیشود.

بالای این دو قبر درخت خنجرجکی است که عمر آن را هزار سال تخمین زده اند.

هزار شیخ عمومیه:
از دامن کوه زنجیر گاه دره بجانب هشرق معمتد است که انتهای آن به طشت و آفتا به مبرسد.

این دره وا بواسطه قبور متعدد مشایخ کازرگاه، دره نور میگویند.
در اول دره ووبروی کوه زنجیر گاه قبر است که از قدیم الا یام زیارتگاه است و اهل هرات بزیارت آن مشرف می‌شوند.
این قبر شحنة مشایخ خراسان است که آنرا شیخ عمومیه هیگفند و اکنون به شیخ عموم معروف است.

حضرت ابوا سمیعیل احمد بن محمد بن حمزه صوفی مشهور به شیخ عمومی

ازمشا یخ هرات است که ایند احضرت خواجہ انصاری بویارا دت
ور زیده و مرید وی شدند .

شیخ عموم سفر بسیار کرده و مشایخ بسیار دیده در حدیث استاد عالی داشته .
وقاتش نقول و سیله الشفاعات بعد از چهارصد و چهل از هجرت بوقوع
بیو سمه .

بالای سرشیخ عموم، لوح کوچکی بود از سنگ مرمر بخط ثلث آمیخته
بکو فی جند انکه بکوفی بیشتر شباخت داشت . واين عبارت ازان
خواهد میشد .

درو سط لوح شهد الله انه لا اله و الا الله اکه، او لو المام قائمها بالقسط
لاله الا هو العزيز الحکیم . عند الله الاسلام .

در اطراف لوح :

قل اللهم مالک الملک توئی الملک من تشاء و تنزع عن الملک من
تشاء و تعز من تشاء و تدل من تشاء بیدك الخیر اک علی کل شیء قادر .
اما هیچ کونه صحبتی و اسمی از هیچ عموم در لوح موصوف بنظر
تعیر سید . متناسقاته شص سال قبل سیلی مد هش از در ؓ طشت بجا ب
کازر گاه سرازیر شد چندانکه کازر گاه را بخرابی تهدید میکرد
چندانکه اهل کازر گاه همه از خانه و منزل خویش بر آمدند پنهان
بزیارت بودند . در اثر این سیلاب نیم بدهه تخت هزار شیخ عموم از میان
رفت که بعد از چندی دوباره اهالی کازر گاه آنرا آباد نمودند .

اکنون معلوم نیست که لوح موصوف سیل بوده و بخاک پنهان
نموده یا بدست اهالی که تخت و صورت قبر را تر میمینند دند
این سنگ را بجای سنگی معتمد لی لای پایه گذاشتهند . بهر حال
اکنون اثری از آن نیست .

در هر نور مزارات بسیاریست که بعضی معروف و بعض ناشناس است .
و از آن جمله مزار شیخ ابو منصور سوخته در دامن کوه زنجیر گاه
خواجه خیر چه و خواجه غورینچ از معاصرین پیره رات که گور شان
 واضح است و هیچ اوح و نوشته ندارد . و زنگویی مزار خواجه نیز قبور
بسیاری است که ناشناس هانده تنها حوا جکان هفت چاه که مشهور
و معروف است و آنهم لوح و کتیبه ندارد .

زلف هشکین تو غروس سخن تابا ینجا و سید کو ته شد
خدای یکنا را بیاسکدارم که این نامه کوچک باین نظام و ترتیب بیان
رسیدا میداست خوا نسده گرا می که بها این نامه دسترسی دارد بهر
سه و خطای یکله بر خورد نماید بقلم اصلاح آنرا مرتفع فرماید
و راه غیب جوئی نه پیماید . اگر عمرم باقی بود و به ختم یا و ر .
اذ شاء الله بعضی از قسمتهای دیگر تاریخ هرات باستان را بعرض اشر
واشاعه خواهم گذاشت .

هرات شهر جدید ۱۳۴۱ سفیله

فکری سلجوقي

(۹۱)





دکورینو خپرونولوی ملکیت

د جوانز واود کتابو د خپرونو

مدیریت